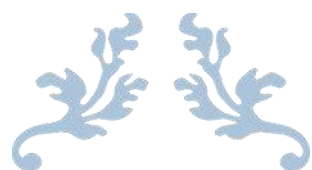


نگاره از خود گذشتگی در بن‌مایه‌های
اسلامی و کارایی آن
در رسایی آدمی و همبودگاه



نخاره از خودگذشتگی در بن‌مایه‌های اسلامی



میثم پاپی مطلق

سرشناسه: پاپی مطلق، میثم، ۱۹۹۰م

عنوان و نام پدید آور: نگاره از خود گذشتگی در بن مایه های اسلامی میثم

پاپی مطلق

مشخصات نشر: ایران، جامعه ی خردمندان پارسی

مشخصات ظاهری: --

شابک: --

نقش بازی در تربیت کودکان

نویسنده: میثم پاپی مطلق

چاپ نخست: مرداد ۱۳۹۳

شمارگان: بی نهایت

حق انتشار محفوظ می باشد.

نشر جامعه ی خردمندان پارسی

ارتباط با ما از طریق:



Mpm7033@yahoo.com

Meisampapi.blog.ir

مهربانان را بیدستایش نمود

فهرست مطالب

..... فصل اول: کلیات.....

..... ۱- مقدمه

..... فصل دوم: ایثار در منابع اسلامی

..... ۲-تعریف ایثار.....

..... ۲-۱ نمونه ای از آیات قرآن کریم درباره ایثار و شهادت.....

..... ۳-انواع ایثار.....

..... ۳-۱ جهاد.....

..... ۳-۲ شهادت.....

..... ۳-۳ فنای عاشق در معشوق.....

..... ۳-۴ دهش و بخشش.....

..... ۳-۵ انفاق.....

..... ۳-۶ جامعه پزشکی.....

..... ۴-ایثار پیامبر (ص) و اهل بیت(ع).....

..... ۴-۱ ایثار پیامبر در راه ترویج اسلام.....

- ۴-۱-۱ ایثار در آئین محمدی (ص) و ائمه اطهار (ع).
- ۴-۱-۲ ایثار انصار نسبت به مهاجران.
- ۴-۲ ایثار حضرت علی.
- ۴-۳ حماسه حسینی.
- ۵ شهادت
- ۵-۱ فلسفه وجودی فرهنگ ایثار و شهادت در مکتب اسلام.
- ۵-۱-۱ ایثار و شهادت در تاریخ اسلام.
- ۵-۲ شهادت طلبی و انتفاضه.
- ۵-۳ انگیزه های شهادت طلبی.
- ۵-۴ شهادت در دین یهود.
- ۵-۵ شهادت در مسیحیت.
- ۵-۶ ایثار و شهادت طلبی در تاریخ پر بار انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی.
- ۵-۶-۱ شهید و شهادت از دیدگاه امام خمینی (ره).
- ۵-۶-۲ شهادت در بسته تاریخ از دیدگاه امام خمینی (ره).
- ۵-۶-۳ مفهوم و ارزش شهادت از دیدگاه امام خمینی (ره).

.....۴-۶-۵ مقام و منزلت شهدا از دیدگاه امام خمینی (ره).....

..... فصل سوم: تأثیر ایثار در تکامل فرد و اجتماع

.....۶- تأثیر ایثار در تکامل فرد.....

.....۱-۶ ایثار و خدا محوری.....

.....۲-۶ نقش ایثار در رشد و تعالی انسان.....

.....۳-۶ ایثار و عزت نفس.....

.....۴-۶ ایثار و توجه به آخرت.....

.....۵-۶ ایثار و صبوری در برابر ناملایمات.....

.....۷- تأثیر ایثار در تکامل اجتماع.....

.....۸- ترویج فرهنگ ایثار در حوزه اجتماعی.....

.....۱-۸ سطح نخست (خانواده).....

.....۲-۸ سطح دوم (محیط جغرافیایی).....

.....۳-۸- سطح سوم (جامعه).....

.....۹- ترویج ایثار در حوزه فرهنگی.....

.....۱۰- ترویج ایثار در حوزه سیاسی.....

.....۱۱- ترویج ایثار در حوزه اقتصادی.....

فصل چهارم: بررسی دیدگاه دانش آموزان در خصوص مفهوم ایثار و تأثیر در تکامل فرد

.....و اجتماع.....

.....۱۲- جداول و نتایج.....

.....۱۳- نتیجه گیری.....

.....۱۴- فهرست منابع و مآخذ.....

.....۱۵- ضمائم.....

.....۱۵-۱ نمونه پرسشنامه.....

.....۱۵-۲ نمونه مصاحبه.....

مقدمه:

اکنون که از پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی با عراق سال‌ها می‌گذرد، باید ارزش‌ها و آرمان‌های اصیل و ارزش‌های اسلام ناب محمدی (ص) را در جامعه پیدا کنیم که این امر در زمانی انجام می‌پذیرد که فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه پی‌ریزی و نهادینه شود.

اصولاً یکی از مسائل مهم جامعه‌ای که مدعی حضور گفتگوی تمدن‌هاست پی‌بردن به اصالت تمدن‌ها و فرهنگ‌ها و انگیزه‌خالص و ناب شهدا است. در این عرصه تنها زمینه‌ای که از فرهنگ و شهادت داشتیم عنوانی بود که در طوب زندگی خود در لوح روح خود حک کرده ایم. زمینه‌ای که خانواده‌ها یا شهدا و ایثارگران دارای درک بالاتر و بهتری از آن هستند برای این موضوع ما به کتاب‌هایی که فلسفه ایثار و فرهنگ آن را عمیق‌تر بیان کرده بسیار توجه و اشاره کردیم.

مسئله دیگر که ما در این مقاله و یا تحقیق آن را مورد توجه قرار دادیم، ارزش‌هایی بود که در جوامع و ادیان مختلف برای نامیدن یک فرد به عنوان شهید ملاک قرار

می‌گیرد. پس برای این امر ابتدا باید انگیزه‌های شهادت طلبی را در جوامع مختلف بررسی کردیم.

نتایج این پژوهش به ما کمک می‌کند تا هاله‌ای از تقدس و معنویت و روح، را فرا گیرد و در درک بهتر فرهنگ ایثار و شهادت ما را یاری دهد.

۲- تعریف ایثار

یکی از ارزش های اخلاقی که در همه جوامع از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است و آن یعنی منافع جامعه را بر منافع خود ترجیح دادن و تجلی آن در عمل شهید در بالاتری حد است، چرا که با فدا کردن جان خویش بزرگترین فداکاری و ایثار را برای مردم انجام داده است.

ایثار، برگزیدن و فرض دیگران را به غرض خویش مقدم داشتن منفعت غیر را بر مصلحت خود مقدم داشتن و این کمال سخاوت است... دیگری را در رساندن به منفعت و دفع مضرت بر خود مقدم داشتن و آن نهایت برادری است.^۱

هم چنین تعاریف را هم برای ایثار بر شمرده اند.

۱- خدا محوری در مقابل خود محوری

۲- ایثار، ترجیح دادن منافع دیگران بر منافع خود (شهادت طلبی عالی ترین درجه

ایثار است)

۳- آخرت را بر دنیا ترجیح دادن

۴- اطاعت بی چون و چرا از مقام ولای ولایت تا پای جان

۱- لغت نامه دهخدا

۵- رجحان ارزش های انسانی بر منافع شخصی

۶- در مسیر کمال حرکت دادن تا آنجا که (شهید نظر می کند به وجه الله)

۷- صبر و استقامت در مقابل مشکلات برای نیل به اهداف عالی

۸- سازش ناپذیری در مقابل دشمنان

۹- عزت نفس و زیر بار ذلت نرفتن

۱۰- نترسیدن از مرگ

و مواردی دیگری را که می توان به این مجموعه افزود:

۱۱- ابلاغ فرامین الهی در ترویج و احیای امر به معروف و نهی از منکر

۱۲- تذهیب نفس و کسب فضایل اخلاقی در جهت اشاعه رشد معنوی انسان

۱۳- مقدم داشتن دیگری بر خویشتن^۱

۱۴- از خودگذشتگی که از خودگذشتگی صفات مردان شریف و کریم است و تمرین

بندگی لازم داشته از ریسمان و اعتقاد ریشه دار صاحبش حکایت دارد.^{۳۲}

۱ و ۲ علی اکبر بابازاده، سیمای حکومتی امام علی(ع). قم: انتشارات انصاریان؛ ۱۳۷۸، ص ۳۳۳
۲- شهود، فصل نامه فرهنگی پژوهشی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، شماره ۶ و ۷، بهار و تابستان
۱۳۸۰، ص ۹۰

۲-۱ نمونه ای از آیات قرآن کریم دربارهٔ ایثار و شهادت

ایثار تجلی عاطفه انسانی است نقطه اوج سلامت روان است و اعتبار دهندهٔ صفات عالیه آدمی نسبت به بارزترین شخصیتی که به این مفهوم عمیق و انسانی، حیات و حرکت بخشیده است، ائمه معصومین (ع) هستند که برابر نص صریح آیات نورانی قرآن کریم از ابتدایی ترین نیازهای خود به نفع دیگری چشم پوشی نمودند.

دربارهٔ ایثار و شهادت می توان به آیات ذیل اشاره کرد:

۱- (انا لله و انا اليه راجعون) (بقره- آیه ۱۵۶)

۲- (و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون) (آل

عمران - ۱۹۶)

۳- (ارجعى الى ربك) (فجر- ۲۸)

۴- (انما اعظكم بواحدة) (سبأ- ۴۶)

۵- (ما عندكم ينفذو ما عندالله باق) (نحل- ۹۶)

۶- (يا ليتنى كنت معكم فافوز فوزاً عظيماً) (زيارت وارث و مفتيح الجنان)

قرآن کریم در ستایش انصار می فرماید: (والذین تبوأ ولدار والایمان من قبلهم یجنون من هاجر الیهم و لا یجدون فی صدرهم حاجه مما اوتوا و یؤثرون علی انفسهم و لو کانت بهم خصاصه)

و آنان که از پیش مدینه را خانه ایمان گردانیدند و مهاجران را که به سوی آنها آمدند دوست می دارند و از این که پیغمبر (ص) اموال بنی نضیر را به آنها اختصاص داد و از آن غنایم چیزی به انصار اعطا نمود در دل خویش هیچ کینه و حسدی درباره مهاجران نمی یابند و همه چیز به چیزی نیازمند باشند مهاجران را در آن چیز به خود مقدم میدارند و آن را در اختیار آنها می دهند.^۱ (حشر: ۹) ۳

۱- شهود، فصل نامه فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، شماره ۶ و ۷، بهار و تابستان ص ۹۸

۳- انواع جهاد

۳-۱ جهاد

جهاد که بسته شهادت طلبی است در فروع دین قرار گرفته و از آموزه های مهم دینی می باشد. جهاد به معنی وسیع تلاش پیگیر با تمام توان، برای گذشتن از گذرگاههای حیات - ضرورتی است اجتناب ناپذیر که برای هیچ فرد و جامعه ای در تکاپوی عرصه حیات از آن گریزی نیست.

صحنه های هر جهاد مقدسی نمایانگر عظمت ایثار و اوج تعالی روح و شکوه سازندگی در راه خدا و رهائی انسان ها است ولی همواره سوی دیگر آن نیز آلوده، نمایشی از بازیگری عناصری پلید و انسان های وارونه ای است که منافع خود را در اسارت مردم در حال رشد و سد راه بوده و تعالی انسان ها و بازگرداندن آن ها به قهقرا و پستی می دانند.

آن چه که به جهاد در بینش اسلامی امتیاز و جلوه ویژه بخشیدن است، هدفهای والای مشخص است که تلاش ها به سوی آن بسیج می شود و نیز راه ها و کیفیت های ممتازی است که در پیشبرد آن هدفها مورد استفاده قرار می گیرد.

جهاد را می توان با توجه به سخنان ائمه (ع) و بزرگان دین از جمله حضرت امام

خمینی (ع) به دو نوع تقسیم کرد:

الف) جهاد اکبر، که همان مبارزه نفس است، از نفس، از خویشتن گذشتن و به خدا رسیدن که مصداق یکی از تعاریف ایثار است.

ب) جهاد اصغر (کارزار کوچک، جدال با کافران) که نمود آن در ادوار تاریخی به وفور دیده می شود چه در کربلای سال ۶۱ هـ. ق و چه در کربلای سال ۵۹، که این جهاد هم از جان گذشتگی برای دیگران، خود را فنای آسایش دیگران کردن است که این مطلب عین ایثار است.

جهاد در فرهنگ لغت به معنی: کارزار، جنگ کردن، جنگیدن در راه حق، جنگ دینی و غزو مسلمانان با کافران است.

یکی از مفاهیم اساسی و ارزشمند در جهان بینی اسلامی مفهوم شهادت است که این مفهوم دارای معنای خاصی است در واقع شهادت در اصطلاح قرآن، حدیث، کلام بزرگان و از دید عامه به مفهوم کشته شدن در راه خدا تلقی می شود و بر همین اساس شهید به کسی گفته می شود که در ضمن جهاد در راه خدا به دست مخالفین دین کشته شود.

امروزه دامنه معنایی شهید و شهادت تنها به مفهوم کشته شدن در میدان جنگ و در مقابل دشمن دین نیست بلکه به استناد احادیث و روایات معنای این مفهوم بسط یافته و برای بسیاری از اشخاص که نه در میدان جنگ بلکه در راه دین و شریعت و به خاطر عشق به حق، شربت شیرین شهادت را نوشیدند نیز استعمال می شود و مرگ آنها در ردیف شهادت محسوب می گردد. این بر اساس بنا به ضرورت مسئله در بخش های بعدی به طور کامل این موضوع مورد بررسی قرار می گیرد.^۱

۳-۳- فناء عاشق و معشوق

بشر افتخار می کند به این که در زمینه معشوق همه چیزش را فدا می کند. خودش را در مقابل او فانی نیست نشان می دهد. یعنی این برای او عظمت و شکوه است که در مقابل معشوق از خود چیزی ندارد و هرچه هست دوست و به تعبیر دیگر معنای عاشق در مقابل معشوق چیزی است نظیر آنچه در اخلاق است، در اخلاق چیزی است که با نطق منفعت جور در نمی آید ولی فضیلت است یعنی یا ایشار یعنی از خود گذشتن به معنای رها شدن از خود در مقابل آنکه معشوق است، آنکه یا آنچه که بزرگتر است از

۱- چشمه سهرابی، مظفر، «کتابشناسی شهید و شهادت» نشر شاهد ۱۳۷۸، ص ۸۵۶

خود و خواسته های خود و اینجاست که منفعت در برابر ایثار عاشق خود را به فراموشی می سپارد.

ایثار با خودمحوری جور در نمی آید، فداکاری با خود محوری جور در نمی آید ولی معذک می بیند انسان از جنبه اخلاقی وجود را، احسان را، ایثار را، فداکاری را تقدیس می کند، اینها را فضیلت می داند، عظمت و بزرگی می داند و در این هست که مسأله عشق با مسأله شهوت متفاوت است، چون اگر شهوت باشد یعنی شیئی را برای خود خواستن. فرق بین شهوت و غیر شهوت در همین جاست. آن جا که کسی عاشق دیگری است مسأله، مسأله شهوت اخلاق که بحث چگونه زیستن و چگونه آدمی بودن، آدمی است برسد اصل استوار است و هر مکتبی چه مذهبی، چه غیر مذهبی، معنوی یا مادی، ایده آلیستی یا رئالیستی باید این سه اصل را شرح و روشن کند، که اگر طرح نشود یا مبهم بماند. اخلاق استوار و قابل تحقق نیست که یکی از اصل ایثار است. آنچه که ستون اساسی و عمود خیمه انسان بودن، یا اخلاق است، در یک کلمه ایثار است. کلمه ای که در هیچ زبانی وجود ندارد. که با اینهمه کوتاهی و دقت، اینقدر معنی را القا می کند و ایثار یعنی انتخاب منافع و مصالح دیگر و دیگران، بر منافع و مصالح خویش. ایثار، علمی است در اوج اخلاق وقتی کسی در دو راهی «خود» و «دیگران» قرار

می‌گیرد که در راهی به منابع، لدت امنیت و بقاء و بودن خویش می‌رسد و در راه دوم باید اینهمه را به خاطر تأمین منافع، لدت و خوشبختی دیگران از دست بدهد و راه دوم یعنی دیگران را می‌گزیند. ایثار کرده است و این غیر از راهی است که فرد، در ضمن حرکت به سوی جلب منافع خویش و در حال زندگی کردن برای خویش، به نفع دیگران نیز میاندیشد و تأمین زندگی دیگران، در این حال، ایثار نسبت، احسان است. ایثار مسأله بسیار بزرگی است، اما مهمتر از خود عمل که فرد واقعاً منافع خویش را سخاوتمندانه و پارسایانه و بی‌نظر و بی‌چشمه است، به دیگری و دیگران ببخشد و خود را محکوم و محروم بگذارد توجیه منطقی و عقلی این است. هیچ‌کس و هیچ‌کس را مکتب جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی‌ای وجود ندارد که بتواند چنین عملی را توجیه و تفسیر و تحلیل عقلی بکند و منطقی نشان بدهد، عملی را که فرد در آن جا دیگری را بر خود بر می‌گزیند و هیچ‌پاداشی نمی‌خواهد - نه معنوی، نه مادی است. هدف تصاحب و از وصال او بهره‌مند شدن است، ولی در عشق اصلاً مسأله وصال و تصاحب نیست، مسأله فنای عاشق در معشوق مطرح است. یعنی باز با منطق خود محوری سازگار نیست. این مسئله در این شکل، فوق‌العاده قابل بحث و قابل تحلیل است که

این چیست در انسان؟ این چه حالتی است و از کجا سرچشمه می گیرد که فقط در مقابل او می خواهد تسلیم محض باشد؟

مسأله پرسش این است، یعنی عشق انسان را به مرحله ای می رساند که از معشوق می خواهد خدایی بسازد و از خود بنده ای، او را هستی مطلق بداند و خود را نیست و نیستی حساب کند، معشوق را بپرستد و برای او از خود هرچه از خود است در گذرد و خود را بسپارد به فنا شدن در راه مقدس عشق.^۱

۳-۴ دهش و بخشش

لب ببند و کف بدوز برگشا
بخل تن بگذار و پیش آور سخا
این سخا شافی است از سود بهشت
وای او کز کف چنین سروی بهشت

و آنگاه مردی ثروتمند و با مکنّت برخاست و گفت از پیر خردمند اکنون ما را از دهش و بخشش بگوی پیامبر گفت:

وقتی از دارایی خود چیزی می بخشی چندان عطایی نکرده ای.
بخشش حقیقی آن است که از وجود خود به دیگری هدیه کنی.

۱ عبدالله جواد عاملی، حماسه و عرفان، ص ۴۸

زیرا دارایی تو چیزی نیست جز قناعی که از ترس نیازهای فردا آن را نگاهبانی می‌کنی.
و فردا چه بار خواهد آورد برای آن سگی که از فرط حرص و احتیاط استخوان های خود
را در میان شنهای بی نشان پنهان کرده و همراه زائران شهر مقدس در سفر است؟
و ترس از نیاز چیست نیازی دیگر که جان آدمی را می‌گذارد، وقتی چاه تو پر آب است
و همچنان ترس از تشنگی تو را به اضطراب انداخته، آیا این ترس نشان از یک عطش
سیری ناپذیر در تو نیست؟

کسانی هستند که از بسیار اندکی می‌بخشند تا به وصف کرامت شناخته شوند و همین
شوق به نام و شهرت، هدیه آنان را مسموم میکند و کسانی که هستند که از کم تمام را
می‌بخشند.

و کیسه شان هیچگاه تهی نخواهد ماند

و کسانی هستند که با لذت می‌بخشند

و همان لذت پاداش آن هاست

و کسانی هستند که به رنج و سختی می‌بخشند و آن رنج و سختی غسل تعمید

آن هاست (تا از تعلق دنیایی پاک شوند)

همچون درخت عطراگین مورد که در دره ای دوردست، شمیم جان پرورش را هر نفس
به دست نسیم می سپارد.

خداوند از دست های چنین بخشندگانی با آدمیان سخن می گوید و از پشت چشم آنان
بر زمین لبخند می زند.

بخشیدن در پاسخ درخواست نیکوست.

اما نیکوتر از آن بخشیدن پیش از درخواست، از راه فهم.

و برای انسان گشاده دست جستجوی پذیرنده بخشش لذتی است که بر لبت بخشیدن
فزونی دارد.

آیا چیزی هست که باید از بخشش آن دریغ کرد؟

هرچه هست روزی به ناچار خود به خود بخشیده خواهد شد.

پس هرچه بهتر اکنون که کسی را بدان نیازی است آن بخششی تا فرصت بخشش از

آن تو باشد و بر وارثان زمین^۱

چه بسیار که میگویند: من می بخشم، اما آن کسی را که سزاوار نیست.»

اما درختان باغ تو و گوسفندان چراگاهت چنین نمی گویند.

۱- خزینه داری میراث خوارگان کفر است به قول ساقی و مطرب به فتوی دف و نیس

آن هایی می بخشند تا زنده باشند زیرا نگاه داشتن و دریغ کردن هلاک شدن است بی گمان آن کس که خداوند موهبت عمر و ثروت شب و روز را به او عطا کرده است به هرچه تو بدون نثار کنی سزاوار است^۱ و آن کس که شایسته است تا از اقیانوس بیکران حیات آب نو شد این شایستگی را نیز دارد که تو جام او را از جویبار کوچک خود پر کنی.

و تو کیستی که نیازمند پیش تو عریان شود و جامه غرور خود چاک کند تا تو شایستگی او را عریان ببینی و غرور او را بی شرم نظاره کنی.

نخست بنگر که آیا تو خود مقام بخشندگی را شایسته ای؟ و آیا شأن و مرتبه را یافته‌ای که واسط در فیض بخشش باشی؟

زیرا به راستی زندگی است که به زندگانی چیزی می بخشد و تو که خود را دهنده می بینی، تنها شاهد و گواه این بخشش و شما گیرندگان بخشش ها که تمامی مردم جهانید، بار سنگین سپاس زیاد بر دوش خود مگذارید، مبادا که بر گردن خود و گردن آن کس که شما را بخشش کرده است اسارت نهیده

۱- آن کس که نزد خدا ارزد، نزد ابوالحسن به نانی ارزد

خوشر آند است، که گیرنده و بخشنده هر دو با هم بر بال های آن هدیه پرواز کنید، زیرا در اندیشه ی سپاس بودن، شک کردن است در گوهر سخاوت که زمین بخشنده ما در او خداوند آسمان پدر اوست.^۱

۵-۳ انفاق

یکی دیگر از نموده‌های ایثار انفاق است که مربوط به ایثار مال می‌باشد. انفاق و ایثار امامان، از بهترین اموال خویش و در سخت ترین شرایط نیازمندی صورت می‌گرفت قرآن کریم نیز داستان ایثار حضرت علی (ع) و خاندان گرامیش را در آیات پر شکوه خود در سوره ی هل اتی منعکس کرده است، حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) و فرزندان‌شان آنچه در میسور داشتند- که جز چند قرص نان نبود- با مال نیازی که بدان داشتند تنها و تنها به خاطر رضای حق به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند، این بود که این داستان در ملاً اعلی باز گوش و آیه قرآن درباره اش نازل گشت.

۶-۳ ایثار در جامعه پزشکی

۱- پیامبر، جبران خلیل جبران ص ۴۱

از جمله فداکاریهای که در عصر امروزی در جامعه دیده می شود، از خود گذشتگی هایی است که به وسیله انسان های عادل و خوش قلب انجام شده. افرادی چون ریزعلی خواجوی و حسن امیدزاده که نام خود را جاودان ساختند.

همچنین بسیاریند، بیمارانی که برای ادامه حیات به پیوند اعضا نیازمندند و هر از گاه ایثارگران را می یابیم که با اهداء عضوی از بدنشان جان دیگران را نجات می دهند و باعث می شوند که بیماران سلامتی خود را بدست آورند.

و نیز پزشکان بسیاری که وقت و فرصت خود می زنند و جان بسیاری از بیماران را نجات می دهند و یا دانشمندانی که در پایگاه های هسته ای مشغول به کار می شوند یا اینکه می دانند بعد از مدتی تشعشعات حاصل از شکافت هسته ای به بدن آن ها آسیب می رساند و آن ها را دچار بیماری می کند.

و اساساً تمام انسان هایی که صادقانه برای رضای الهی خدمت می کنند و سعی در انجام وظایف محوله خویش دارند ایثارگرند.

۴- ایثار پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)

۴-۱ ایثار پیامبر در راه ترویج اسلام:

درامالی در تاریخ پیغمبر اسلام چنین آمده است که: شبی مردی به نزد آن حضرت آمد و از گرسنگی به ستوه آمده بود، حضرت کسی را به خانه همسران خود فرستاد. آنان گفتند ما چیزی جز آب در خانه نداریم فرمود: چه کسی امشب این مرد را از گرسنگی نجات می دهد؟ علی (ع) برخاست و عرض کرد: من آماده ام. پس وی را به خانه نزد فاطمه (س) گفت: جز غذای کودکان چیزی در خانه نیست ولی مهمان را بر خود و فرزندان مقدم می داریم و آنرا به وی می دهیم. علی (ع) فرمود: پس کودکان را بخوابان و چراغ را خاموش کن پس آن غذا را به مهمان دادند و خود گرسنه ماندند.^۱

۱ - صافی - ص ۲۵۸

۱-۱-۴ ایثار در آئین محمدی(ص) و ائمه اطهار:

از خود گذشتگی و ایثار، جان باختگی و شهادت طلبی ارزش های اصیل و ناب آئین محمدی و ائمه اطهار به شمار می آیند که از صفات برجسته مردان الهی و عاشقان راه حق بوده، تا در مقابل هرگونه تهاجم فرهنگی و دست اندازی به حریم پاک و مقدس اسلام از سوی دشمنان و بیگانگان مقاومت و ایستادگی نموده و حقایق آن را از آلودگی ها و تحریفات گوناگون مصون بدارند و خود نیز در مسیر الهی هدایت شده و به کمالات انسانی و ارزش های معنوی دست یافته و در واقع به سوی باری تعالی بشتابند و سعادت مند ابری گردند.

از صدر اسلام تا کنون به ویژه در طول تاریخ مکتب تشیع، ما شاهد بسیاری از فداکاری ها و شهادت طلبی های مسلمانان در جهاد با دشمنان اسلام بوده و هستیم که «واقعه جانسوز، عاشورای حسینی» از مهم ترین آنها به شمار می آید. اوح وارستگی، آزادی، ایثار و شهادت امام حسین (ع) و ۷۲ تن از یاران با وفایش درس های عبرت آموزی را به پیروان و عاشان راه حق می دهد که قابل مطالعه و بررسی اند. در واقع آنچه که باعث پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) در سال ۵۷ و هشت سال دفاع مقدس شد، وجود عاشورای حسینی و در یک کلام وجود فرهنگ «ایثار و

شهادت» مردان بزرگ الهی بود که به مرور، اخلاق و رفتار اقشار مختلف مردم مسلمان و مؤمن ایران اعم از زنان و مردان، نوجوانان و جوانان تحصیل کردگان و عامی را تحت تأثیر قرار داد و متحول ساخت، آن چنان که توانستند با اعتقاد و ایمان راسخ به ارزش‌های اصیل اسلامی به ایثار و از خود گذشتگی در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته و در برابر دشمنان و بیگانگان غرب و شرق مقاومت ایستادگی کنند و نقش آفرینی‌های مختلف انقلاب و جنگ تحمیلی به نمایش بگذارند و با پیروزی و سربلندی از این آزمایش الهی بیرون آمدند و زمینه و شرایط تشکیل حکومت اسلامی را در جامعه ایران فراهم سازند و دست هر تجاوزگر بیگانه‌ای را اعم از غرب و شرق از این سرزمین‌های اسلامی کوتاه سازند. بنابراین یکی از ویژگی‌های انکارناپذیر انقلاب اسلامی که ریشه در مکتب‌رهایی بخش اسلام دارد ایثار و شهادت است که همواره انگیزه جهاد بوده و شهدا با آرمان‌های اسلامیشان مشخص‌کننده راه و خصلت انقلاب و عامل پیروزی آن بوده‌اند.^۱

اکنون بعد از گذشت سالها از پیروزی انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس، زمان آن فرا رسیده است که باجرا و پیاده کردن اهداف، ارزش‌ها و آرمان‌های اصیل انقلاب

۱ - عباسعلی عمید زنجانی، «انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن»، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۵۷، ص ۲۹

اسلامی که همانا اصول و ارزش های اسلام ناب محمدی (ص) است، بپردازیم و این امر

جز با فرهنگ «ایثار و شهادت» میسر نخواهد بود.^۱

۴-۱-۲ ایثار انصار نسبت به مهاجران

ایثار انصار برای برادران مهاجرشان فراتر از توصیف است، مهاجران چیزی به جز

لباسشان را نداشتند، علی رغم اینکه قبلاً ثروتمند بودند.

همه می دانند که اهل مدینه کشاورزند و ساکنان مکه تاجر.

ایثار انصار چیزی خیالی است که عقل آن را باور نمی کند.

به خدا قسم ایثار عجیبی است، مهاجر به قید قرعه با برادر انصاری خود افتاده است،

چون وقتی گفته می شد فلانی پیش چه کسی بماند، همه انصار می گفتند: نزد من،

نزد من، یعنی چه؟ این چه ایثاری است!؟

آیا باور کردنی است؟ هیچ صلۀ رحم قرابت یا پیوندی جز پیوند برادری که اسلام در

میانشان برقرار نموده است، میانشان وجود ندارد.^۲

۴-۲ ایثار حضرت علی(ع):

۱- فصل نامه شهود، شماره ۶ و ۷، تابستان ۱۳۸۰، سال دوم، ص ۱۰۵

۲-www.Amrkhaled.com

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: ایثار خوی نیکان و روش پاکان است.

نمونه ای از رفتار ایثارگران امام علی(ع):

فرزندان علی و فاطمه(حسن و حسین) بیمار شدند. به آنها پیشنهاد شد برای بهبودی فرزندانشان نذر کنند. علی(ع) و فاطمه(ع) و فضه در درگاه خدا نذر کردند هنگامی که بر فرزندانشان آفیت حاصل شد، سه روز روزه بگیرند. خدای سبحان نعمت سلامتی را نصیب آنان کرد. اینک آنان باید به نذر خود وفا کنند لیکن چیزی در خانه علی یافت نمی شود. علی سه پیمانه جو برای فراهم آوردن نان قرض می کند. سه روز روزه شروع می شود. یک پیمانه آن را در روز اول فاطمه (ع) چند گرده نان برای افطار فراهم می کند. هنگام افطار که فرا می رسد مسکینی در خانه را می کوپد همه نام ها را به وی داده با آب خالص افطار می کنند! روز دوم نیز همانند روز اول بخشی دیگر آرد را برای تهیه افطاری آماده میکند و هنگام افطار که فرا می رسد یتیمی در خانه را می زند. همانند روز اول همه نام ها را به یتیم داده با آب خالص افطار می نمایند و برای روز سوم آماده می شوند روزه بگیرند، در هنگام افطار روز سوم که همانند روزهای پیش چند گرده نان تهیه می شود، ناگهان اسیری در خانه علی می آید و همانند شب های پیش گرده نان ها نصیب وی می شود.

افطار هر سه روز روزه با آب خالص سپری می شود! رخسار اهل بین از گرسنگی رنجور شده است.

رسول (ص) وارد خانه علی و فاطمه شده، رخسار رنجور آنان را مشاهده می کند به همین سبب می پرسد فاطمه برای پدر توضیح می دهد. آنگاه ایشار فاطمه و علی تجلی می نماید و غذای بهشتی نصیب خانواده عترت می گردد. خدای سبحان ستایشی از ایشار آنها بخشی از آیات سوره انسان را نازل می نماید:

«يُؤْمِنُونَ بِالْغَدْرِ وَ يُخَافُونَ يَوْمًا كَانُ شَرًّا مُسْتَطِيرًا وَ يُطْمَعُونَ الطَّعَامَ عَلِيَّ حَبَّةً، مُسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ اَسِيرًا»

به نذرهای خود وفا می کنند و از شر و عذاب فراگیر روز قیامت در هراسند. طعام را با این که خود نیاز دارند و محبوب آنهاست در راه خدا به مسکن و یتیم و اسیر طعام می نمایند.^۱

۱- www.isar.com

۳-۴ حماسه حسینی

شهادت امام حسین (ع) با توجه به ابعاد فوق العاده شخصیت وی و دودمان وی و انعکاس آن در اجتماع و با وجود هشیاری و آزادگی امام حسین عالیترین جلوه شهادت یک انسان کامل است که عظمت فوق طبیعی و علو شخصیت و هدف او را اثبات می کند. امام حسین راهی را برگزید و مقصدی را به عالمیان نشان داد که بعد از وی الگوی همه آزادگان جهان شد. البته پدیده شهادت فی نفسه آنقدر عالی و بلند مرتبه است که اگر در همه تاریخ بشری فقط یک بار اتفاق می افتاد یعنی در تاریخ بشر تنها یک نفر شهید می شد بازهم اهمیت شهادت فوق همه پدیده های حیات بشر بود چه رسد به این که در گذرگاه قرون و اعصار کاروان شهادت متجاوز از میلیون ها پاکان اولاد آدم را به خود دیده است و پیشتاز برجسته ای چون حسین بن علی (ع) و شخصیت های متمایزی در این کاروان الهی شرکت داشتند.^۱

به هر حال عاشورا اتفاق افتاد تا بار دیگر شهادت و لقاء الله زنده شود و نه تنها زنده بلکه برای همیشه و در همه جا جاودانه مانده عاشورا کربلا صحنه متقابل دو جریان ابدی تاریخ است. جریان هابیل و قابیل در روز عاشورا نیز همین واقعه تکرار شد. یک

۱ - محمد تقی جعفری - زینب پیام آور عاشورا ج ۶، ص ۹

طرف لشکر حق و حقیقت و طرف دیگر باطل و ضلالت؛ امام حسین علیه السلام نصرت و پیروزی دین خدا و شهادت در راه خدا را می خواست و آن قوم پیروی از هوی و هوس و بازگشتن به سنت های جاهلی و نیز کشتن امام حسین را می خواستند.

یکی از نکته های مهم و عبرت آمیز عاشورا وفاداری و ایثار یاران با وفای امام حسین علیه السلام است. اصحاب امام حسین علیه السلام با وجود اینکه به طور قطع می دانستند قدم نهادن در این راه مساوی با کشته شدن و شهادت است، اما حسین علیه السلام را همراهی کردند و به جز آنان که به طلب مال دنیا با امام همراه شده بودند و در نیمه راه نیز از امام جدا شدند، سایر یاران و افراد خانواده ایشان تا آخرین لحظه با امام ماندند و جان خود را فدای امام کردند به طوری امام حسین علیه السلام وفاداری یارانش را به آنها یادآور شده بود.

و اینچنین هم شد.

۵-شهادت

تأثیر شگرف فرهنگ پربار ایثار و شهادت در گستره جهان بینی دینی ما از جلوه و منزلت متمایزی برخوردار است. فرآیند تأثیرگذاری ایثار و شهادت در مایه های فرهنگی، اجتماعی و ... با ظهور مکتب حماسی تشیع به عنوان زیباترین جلوه های روح دینی مایه شگفتی شده است. فرهنگ متعالی ایثار و شهادت با هویت قدسی خود توانایی سرشاری را در متأثر ساختن نهادهای اجتماعی و ساختارهای سیاسی و فرهنگی جامعه دارا می باشد. یافته ها و دستاوردهای دیرینه تاریخی مبین این واقعیت روشن است که ایثار و شهادت به عنوان کارآمدترین عنصر فرهنگی در مهار و یا تشدید فرآیندها و پدیده های اجتماعی تلقی می شود. بی تردید قوام بردار و رشد اعتلای فکری و اجتماعی جامعه منوط به مؤلفه هایی است که در ساختار جامعه ترسیم و جهت یابی می شوند و در راستای این هدف، تلاش ما بر این استوار است که با نمودار ساختن تأثیر فرهنگ ایثار و شهادت بر علل و اسباب رشد جامعه یعنی حرکت و پویایی، حضور معنادار، آزادی، تعهد و مسئولیت و ارزش های دینی - ملی ارتباط عمیق و تنگاتنگ فرهنگ ایثار و شهادت را با رشد و اعتلای فرهنگی نمایان سازیم. فرهنگ ایثار و شهادت، بی گزاف، برترین اصل برای کسی رشد اجتماعی و فرهنگی محسوب

می شود. بر اساس بینش درست، دستاوردهای نهایی رشد و اقتدار جاودانه یک ملت، تثبیت و تحکیم ساختارهای بنیادین نظام همراه با بسط اندیشه های پاک و جهانی کعمار اندیشمند انقلاب اسلامی است. «فرهنگ ایثار و شهادت» حاصل و تلاش و جانفشانی برگزندگان این آب و خاک است که طی سالها و با هزینه ای جبران ناپذیر و به همان نسبت و طی سالیان دراز و با تلاش فراوان و گران سنگ عزیزان ایثارگر به دست آمده طی سالیان دراز و با تلاش فراوان، قابلیت نهادینه شدن در جامعه و تبدیل شدن به رفتار فردی و جمعی را دارد. بسی جان امید است که این حرکت با ارزش فرهنگی بین نسل ها به صورتی منظم و هماهنگ به حیات طیبه خود ادامه دهد و به سر منزل مقصود برسد.^۱

۱-۵ فلسفه وجودی فرهنگ ایثار و شهادت در مکتب اسلام

دین اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین آیین در میان ادیان الهی، وظیفه خود می داند که فطرت انسان ها را بیدار ساخته و در صراط مستقیم به سوی کمالات انسانی و ارزش های الهی هدایت نماید و این امر جز با پیاده کردن احکام و دستورات الهی در

۱- کتاب هم اندیشی فرهنگ ایثار و شهادت، دبیرخانه شورا هماهنگی

مراحل مختلف زندگی بشر اعم از فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... میسر و مقدور نخواهد بود. اما آیین مقدس اسلام به ویژه مکتب تشیع، در این راه پر فراز و نشیب با بسیاری از توطئه ها و دسیسه های دشمنان که قصد تحریف و نابودی حقایق آن را دارند، روبرو خواهد بود. بنابراین بر اساس فلسفه جهاد اسلامی، پیروان و عاشقان راه حق مبارزه و مقاومت در برابر ظلم و ستم دشمنان و تن به ذلت آنها را ندادن از وظایف مهم شرعی و اخلاقی خود می دانند و پایبند به آن هستند. در این زمینه در آیات و روایات بسیاری به جهادگران راه خدا سفارش شده تا آنها با جامن و مال و هر آنچه که در اختیار خود دارند به مبارزه و جهاد با دشمنان اسلام بپا خیزند و مانع هرگونه تجاوز و تعدی به اصول و حقایق اسلام شده و جلوی ظلم و ستم و فساد آنها را بگیرند.

احکام و دستوراتی که در فلسفه جهاد اسلامی آمده از مهم ترین دستورات الهی است که در آئین و شریعت محمدی (ص) و سراسر زندگی ائمه اطهار (ع) به وضوح دیده شده و قابل مطالعه و بررسی است. مطالعات در زمینه فلسفه جهاد و مبارزه در مکتب اسلام چنین آورده اند.^۱

۱- حسین انصاریان، دیار عاشقان، جلد هفتم، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۴۳ و

«آیین مقدس اسلام، آیین توحید و آیین عقل و فطرت و آیین رشد و کمال و آیین صلح و صفا و مهر و محبت و آیین تربیت است. اسلام عشق و علاقه دارد قلوب انسان‌ها را از راه ارتباط با شرک و کفر و بت پرستی و بندگی نسبت به بندگان پاک کند... اسلام که خود آیین فطرت و عقل و مدرسه کرامت و شرافت و فضای عدل و عدالت، دین و صلح و سلامت، مهر و رأفت و عشق به انسان است تنها و تنها برای درهم شکستن ظلم و ستم و به خاک مالیدن دماغ ظالم و ستمکار و گرفتن حق مظلومان از دست ستمگران بر پا شدن عدل و قسط در تمام پهنه زمین، جهاد را همراه با تمام لوازمش تجویز نموده است ... اسلام دعوتش را با دلیل و برهان و موعظه حسنه و جلال حسن شروع می‌کند و از این راه سعی می‌کند انسان منحرف از فطرت توحیدی را به صراط مستقیم برگرداند. اسلام، موضع گیری علیه توحیدی را که به ضرر خود موضع گیران و مزاحم مؤمنان پاک است نمی‌پسندد و چنانچه ببیند دشمن عالم یا جاهل در زمینه رشد انسان و انسانیت مانع ایجاد می‌کند خود را به خاطر اقامه حق مجبور به جهاد می‌بیند و برای او جهاد ابتدایی یا دفاعی فرقی نمی‌کند. آنچه برای او اهمیت دارد پاکسازی حیات انسان از آلودگی شرک و کفر و فسق و فجور و بت و بت پرستی است.»

اکنون که روشن شد برای چه هدف والایی در اسلام سخن از جهاد و مبارزه به میان آمده است، ضروری است به بررسی ارزش های ایثار و شهادت در آیین جهاد و مبارزه پرداخته شود. اصولاً هر جهاد و مبارزه ای برای ریشه کن نمودن ظلم و ستم و رهایی مظلومان و ستم دیدگان از شد دشمنان و منافقان از خدا بی خبر و نیز اجرای فرامین احکام و دستورات اسلامی بدون وجود ارزش هایی همچون ایثار و شهادت معنا و مفهومی ندارد. زمانی جهاد و مبارزه ای به اهداف متعالی خود می رسد و پیروز از میدان عمل بیرون می آید که رهروان آن آراسته به صفات و ارزش هایی همچون ایثار و از خود گذشتگی در امور مختلف زندگی و آماده شهادت و جان باختگی در هر مرحله از مبارزه باشند. در غیر این صورت آن مبارزه و جهاد بی محتوا بوده و در نیمه راه به علت وجود مشکلات و مسائل گوناگون، رها شده و به اهداف، متعالی خود نمی رسند. چنانچه در طول تاریخ، ما شاهد بسیاری از مبارزات و انقلاباتی بوده ایم که به علت نداشتن فرهنگ ایثار و شهادت شکست خورده و پیروان آن ناکام و ناامید دست از مبارزه کشیده اند و همه چیز به نفع دشمن تمام شده است.

اکنون برای روشن تر شدن مطلب، ضروری است به بررسی مفاهیم «ایثار» و «شهادت» در فرهنگ اصیل اسلامی بپردازیم. ایثار یعنی «مقدم داشتن دیگری بر خویشتن^۱ و در واقع به معنای از خود گذشتگی است که از خود گذشتگی از صفات مردان شریف و کریم است و تمرین بندگی لازم داشته و از ایمان و اعتقاد ریشه دار صاحبش حکایت دارد.^۲ ایثار و از خود گذشتگی امری است دینی، اخلاقی و انسانی و بسیار نیکو و پسندیده که در هر آیین و مذهبی ستوده شده و درباره آن سفارشات زیادی شده است «ایثار در فرهنگ اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اسلام به عنوان اوج وارستگی مؤمن و نشانه بارز پیوستگی به خدا و مکتب تلقی شده و در قرآن از آن برای آزمودن صلاحیت رهبری و امامت نام برده شده است. حضرت ابراهیم (ع) پیش از رسیدن به امامت با ایثار آزمایش شد و علی (ع) در ایثار جان آنچنان پیش رفت که حتی بر جبرائیل و میکائیل پیشی گرفت و ملایک و عالم آسمان ها را به حیرت واداشته و عامل مباحثات پروردگار عالم شد!!...» همچنین واقعه عاشورای حسینی، اوجی از ایثار و شهادت در طول تاریخ تشیع به شمار می رود که سرشار از نکات عبرت آموزی برای تمام شیعیان و مسلمین جهان اسلام به شمار می آید.

۱ و ۲ علی اکبر بابازاده، سیمای حکومتی امام علی (ع)، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۷۸، ص ۳۳۳

بنابر آنچه که گذشت، ایثار را می توان با استناد به روایات و احادیث نوعی آزمایش الهی برای مؤمنان و رهروان راه حق بر شمرد که از طریق آن به ندای پروردگار خود لبیک می گویند و در برابر فرامین و دستورات الهی سر تعظیم و تسلیم فرود می آورند. آری مؤمن کسی است که از خود بگذرد و به یاری مردم گرفتار و ستمدیده بشتابد و آنان را در مسایل و مشکلات روزگار تنها نگذارد که اگر چنین کند از یک سو جامعه مسلمین هرگز دچار گرفتاری و مشکلات هدیده ای در سطوح مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی اجتماعی و ... نمی شود که دشمنان و بیگانگان هر لحظه برای آنها توطئه کرده اند و از سوی دیگر چنین فردی رضایت خداوند را حاصل نموده و خود نیز به سوی باری تعالی شتافته و سعادت مند ابری خواهد شد.

مفهوم شهادت از ارزش والایی برخوردار است و می توان آن را در راستای ایثار و از خود گذشتگی مطرح کرده و در واقع مکمل آن محسوب نمود. در حقیقت، ارزش شهادت مرتبه بالای ایثار است و به عبارت ساده تر منتهی درجه ایثار به شمار می رود. در نظام ارزشی اسلام، شهادت معیاری است که ارزش های دیگر و اعمال صالح انسان با آن سنجیده شده و در طبقه ی ارزش ها، جایگاه بسی رفیع به آن اختصاص داده شده است.

فرهنگ شهادت و ایثار در نظام اسلامی از مهم ترین ویژگی مکتب تشیع به شمار می رود و بر همگان پوشیده نیست که وجود همین فرهنگ بوده و هست که حقایق اسلام همچنان پا بر جا و زنده تا اکنون، تاریخ شیعه، شاهد ایثارگری و شهادت طلبی مردان بزرگ الهی همچون پیامبر بزرگوار اسلام (ص) و اصحابش ائمه اطهار (ع) و یاران و رهروان آنها بوده و این امر حاکی از آنست که «اسلام مکتبی است که حرکت جنبش، تلاش، جهاد و ایثار را برای تحقق بخشیدن به حاکمیت قوانین الهی می طلبد. چنان که در طول تاریخ اسلام تحقق عینی این حرکت و تلاش و جهاد به شکل های گوناگون که برخاسته از طبیعت این مکتب جامع است- به ثبوت رسیده است- موضوع کربلا و مظلومیت امام و اهل بینش در طول تاریخ برای تشییع به یک رمز و شعار و هویت انقلابی و خصیصه لاینفک تشیع تبدیل شده به پیروان اهل بیت در هر زمان و عصری برای حفظ این رمز و شعار از جان نیز گذشتند و حراست و حرمت آن را به معنی پاسداری از موجودیت و شرف و مذهب خود دانسته اند. صحنه های با شکوه ایثار و شهادت از این قبیل در تاریخ پیروزی انقلاب اسلامی و جبهه های هشت سال دفاع مقدس کم نیستند. ما تکرار واقعه کربلا را در تاریخ خونبار تشیع بارها دیده و آثار پر بار آن را لمس کرده ایم.

اکنون وظیفه شرعی و دینی ماست که با بدست آوردن شناخت کافی و صحیح از فرهنگ ایثار و شهادت در مکتب اسلام و با عمل کردن به اصول، دستورات آن، ما نیز رهبان همان جان باختگانی باشیم که جان، مال و آبروی خویش را در مسیر حق از کف دادند و توانستند با ایثار و شهادت به پاسداری و صیانت از ارزش ها و حقایق اسلامی بپردازند.

۱-۱-۵- ایثار و شهادت در تاریخ اسلام:

حادثه کربلا مؤثرترین و جاودانه ترین نمونه شهادت طلبی در تاریخ اسلام به شمار می رود. در طی قرون متمادی نقش حماسی و احساسی و سیاسی عاشورا اثرات عمیق در بین آزادگان جهان بویژه مسلمانان آزاده و علی الخصوص شیعیان مخلص بجا مانده است. اما حسین (ع) و یاران وفادارش در روز عاشورا بهترین جلوه های شهادت طلبی را در شعار و عمل متجلی ساختند. مآخذ مختلف جملات شهادت طلبانه و شورانگیزی را از امام حسین (ع) و یارانش و در قیام کربلا نقل کرده اند که ما فقط به دو نمونه اکتفا می کنیم. قاسم بن حسن در جواب سؤال امام حسین (ع) که فرمود: ای فرزند من

مرگ در نزد تو چگونه است؟ گفت: ای عمو شهادت در نزد من از عسل شیرین تر است. هم چنین عباس ابن علی (ع) این رجز حماسی را در آخرین ساعات عمرش می خواند: به خدا قسم اگر دستان مرا قطع نمایند تا آخر از دینم حمایت می کنم. او در این رجز کوتاه و زیبا هم انگیزه شهادت طلبی و هم اوج میل به شهادت را بازگو کرد. امام حسین (ع) در وصیت نامه مشهور خود به محمد حنیفه انگیزه قیام و شهادت طلبی خود را اینگونه معرفی می کند: «من نه از روی خودخواهی و یا برای خوشگذرانی و فساد و ستمگری از مدینه خارج می شوم، بلکه هدف من از این سفر امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح مفاسد و احیاء سنت و سیره جدم رسول خدا (ص) و پدرم علی (ع) است.

۲-۵ شهادت طلبی و انتفاضه

«سبحان الذی اسرى بعبدہ لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصى الذی یا رکنا

حوله لنریه من آیاتنا انه هو السميع البصیر.»

«پاک و منزّه است خدایی که «در مبارک شبی» بنده خود «محمد (ص)» را از

مسجد الحرام به مسجد اقصائی که پیرامونش را مبارک و پر نعمت ساخت سیر داد تا

آیات خود را به او بنماید که خدا به حقیقت شنوا و بینا است.»

«سورة اسرى- آیه ۱»

«قدس» سرزمین پاک و مقدسی است که قرآن حکیم از آن به «مسجد اقصا» یاد کرده

و مفسرین گفته اند که این آیه شریفه در شأن یکی از مهمترین معجزات رسول خدا

یعنی معراج نازل شده است و نیز گفته اند که معراج پیامبر از این مکان مقدس آغاز

شد.

«قدس» یا به عبارت دیگر «بیت المقدس» نخستین قبله مسلمانان است و تا سال دوم

هجری، پیامبر (ص) و مسلمانان به سوی این قبله نماز می گذاردند.

«قدس» این سرزمین پیامبران و معبد مقدس پیروان ادیان الهی و تمامی سرزمین پاک

فلسطین اینک سالها است که در اشغال شیاطین است و رهایی این مکان مقدس از

سلطه اهریمنان یکی از آرزوها و آمال مسلمانان است. در تمام این سالها طرحها و برنامه های فراوانی از سوی صاحب نظران برای نجات فلسطین مطرح و تا حدودی اجزا شد اما امام خمینی (ره) با طرح قدس به عنوان محور مسأله فلسطین و تعیین روز قدس به عنوان روز تجمع مسلمین برای نجات قدس شریف، توجه مسلمانان را به شعار راهبردی ملت ایران در انقلاب اسلامی یعنی شعار «ایمان، جهاد، شهادت» جلب کرد.

امام خمینی به مردم فلسطین آموخت، رمز و راز فلاکت و عقب ماندگی مسلمین دوری از ایمان به ارزش های الهی و هراس از مرگ و کشته شدن و عامل اصلی پیروزی و موفقیت مسلمانان صدر اسلام و ملت حق طلب ایران گرایش عملی به «ایمان، جهاد و شهادت» بوده است.

فلسطین، امروز از مرگ نمی ترسد و همه زیونی ها را در هراس از مرگ می داند، او دریافت که آنکه از مرگ می ترسد، ناچار به ذلت و خواری تن می دهد و با هزار و یک دلیل تن پروری خویش را توجیه می کند اما آنکه مرگ در راه خدا را اوج سعادت و عزت ابدی و شهادت را آرزوی اولیاء خدا می داند برای تحقق آرمان های بلند خویش، خطر می کند و به استقبال مرگ می رود و می گوید: مرگ اگر مرگ است گو نزد من آید تا در آغوشش بگیرم تنگ تنگ». آری اینک شهادت طلب شاه بیت غزل

مسجدالاقصی است و همین راز و رمز پیروزی مردم فلسطین و آزادی قدس خواهد بود

و به امید آن روز.^۱

۳-۵ انگیزه های شهادت طلبی

واژه شهید در بسیاری از فرهنگها و مذاهب از بار ارزشی والایی برخوردار است بطوریکه

بر گرد آن می توان هاله ای از تقدس را یافت.

یکی از مسائل مهم برای ما که امروزه، مدعی حضور در عرصه گفتگوی تمدنها هستیم

این است که مشخص کنیم انگیزه شهیدان ما در انقلاب و دفاع مقدس چه بود؟ آنها

برای چه اصول و اهدافی از جان خود گذشتند؟

اصولاً یکی از راههای پی بردن به اصالت هر تمدن، فرهنگ و انقلاب شناخت انگیزه‌های

نابی است که شهیدان به آنها معتقد بودند. هرچه این انگیزه ها انسانی تر باشد و با

فطرت الهی بشر تطابق داشته در عرصه گفتگوی تمدنها میدان بازتری برای مکالمه و

مفاهیم می آید. با وجود نکات مشترک در مذاهب و فرهنگها درباره انگیزه های شهادت

طلبی، معیارهایی که آنها برای اطلاق کلمه «شهید» به افراد دارند تمایزاتی با هم

۱- شهود، فصل نامه فرهنگی پژوهشی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، شماره ۴، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱

دارند. هر فرهنگی افراد خاص را شهید می داند طبیعی است که در فرهنگ اسلامی بویژه تفکر شیعه ملاکها و مقیاس های ویژه ای برای انتساب نام شهید بر افراد وجود داشته باشد.

انگیزه ها، چراها و علت های رفتارند و جهت کلی آنها مشخص می کنند. رفتارهای انسان به گونه ای است که در بسیاری از موارد انگیزه های گوناگون در یک زمان در فعالیتند و بر رفتار فرد اثر می گذارند. آنها نیرو و حالت درونی بدنی یا روانی هستند که رفتار را در جهت معین به سوی هدفی بر می انگیزند. انگیزه ها درونی و شخصی هستند ولی چون انسان در یک جامعه و محیط مشغول به کار است عوامل محیطی و بیرونی از قبیل ارزشها، پاداشها و تنبیه ها و ... در ایجاد انگیزه مؤثرند.

با موضوع شهادت طلبی را در این بخش از سه جنبه بررسی خواهیم اولاً شهادت طلبی مسئله ای دینی و مذهبی است. هر دینی با توجه به ارزشها و اصول خود و با توجه به انگیزه های خاص، عده ای را به عنوان «شهید» می شناسد. به عنوان مثال در اسلام نیت و انگیزه در انجام عبادات بسیار مهم است.

در فقه شیعه جهاد که بستر شهادت طلبی است در بخش فروع دین و عبادات مطرح است. بدیهی است که انجام کار عبادی با هر انگیزه ای قابل قبول نیست. از طرفی

اعتقادات هر مکتبی دربارهٔ مبدأ و معاد ... می تواند در رفتار پیروان آن مکتب مؤثر باشد و شهادت طلبی یکی از این رفتارهاست.

ثانیاً شهادت طلبی کنشی است که در جامعه ای خاص و با فرهنگی خاص روی می دهد. ثالثاً شهادت طلبی موضوعی است که مستقیماً با انگیزه و شخصیت فرد بستگی دارد. شدت این انگیزه ها در انسان های مختلف یکسان نیست. حتی انسانهایی که در جامعه و فرهنگی مشترک رشد پیدا کرده اند ممکن است در شدت و نوع انگیزه ها یکسان نباشند.

مهم ترین اصل در شناخت فرهنگ شهادت بررسی انگیزه ها و اهداف کسانی است که شهادت را برگزیده اند. اکنون یازده سال است که دوران دفاع مقدس را پشت سر نهاده ایم اگر چه هنوز هم گهگاهی فضای میهن اسلامی ما با عبور کاروان شهدای باقیمانده از جنگ تحمیلی عطرآگین می شود و ما لحظاتی به مرور خاطرات دوران دفاع مقدس و ایثار و مقاومت سلحشوران و حماسهٔ جاودانهٔ شهیدان می پردازیم اما باید اذعان داشت که «فرهنگ شهادت» مانند شهیدان همچنان مظلوم است.

اگرچه بسیاری از افراد به تقدس نام، کلام، پیام، عملکرد شهدا معترفند و یکدیگر را به ادامهٔ راه شهدا دعوت می کنند اما «فرهنگ شهادت» در لا به لای تحقیقات حوزوی و

دانشگاهی، هنوز جایگاه و پایگاه شایسته بایسته ندارند. وصایا و سیره عملی شهدا در میان رقابتهای اقتصادی و هیاهوی سیاسی احزاب و گروهها و رسانه های جمعی کم رنگ شده است. در این آشفته بازار عده ای در داخل و خارج کشور از فرصت استفاده کرده و با گفته ها و نوشته ها و اثار سمعی و بصری در پس امحاء فرهنگ ایثار و شهادت بر آمده اند.

آنها با اتهاماتی از قبیل تروریست و افراطی و ... به رزمندگان و جانبازان و شهیدان دفاع مقدس و نیز با طرح اهداف، ناسیونالیستی و انگیزه های مادی و مشکلات اقتصادی و روانی برای آنها در پی آنند که انگیزه های شهادت طلبی را تحقیر و تحریف نمایند.

بدون شک شهادت طلبی از عوامل تأثیرگذار در پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بود و اگر ما بخواهیم شناخت صحیح و کاملی از انقلاب و دفاع مقدس داشته باشیم و یا بخواهیم آنها را به دیگران بشناسانیم، باید انگیزه های شهیدان را در نهضت اسلامی و جنگ تحمیلی بررسی نمائیم.

شناخت این انگیزه ها و تأسی از آنها بهترین راه تحکیم وحدت در بین نیروهای وفادار به انقلاب و ایجاد طراوت و شور و روحیه ایثار در جامعه و معرفی اهداف و انگیزه های

نهضت به سایر ملتها است. اگر ما انگیزه های شهدای خود را با توجه به منابع مستند و بدور از تعصبات و با روشهای نوین علمی بررسی، نکنیم در آینده افرادی آگاهانه یا ناآگاهانه با تفسیرهای نادرست از این انگیزه ها، فرهنگ شهادت را تحریف کرده و روحیه شهادت طلبی در بین ملت ما را از بین خواهند برد.

طبیعی است که با کم رنگ شدن فرهنگ شهادت طلبی، روحیه و فرهنگ سازش گری و ذلت پذیری و بی تفاوتی، نسبت به ارمانها و اصول دینی و انقلابی، جایگزین آن می شود و نتیجه آن تهاجم فرهنگی و سست شدن پایه های انقلاب اسلامی و نفوذ مجدد سلطه گران خواهد بود.

فرهنگ انگلیسی- فارسی اکسفورد درباره شهادت می نویسد «شهادت به عملی اطلاق می شود که فرد به خاطر اعتقادات مذهبی و یا خاطر دلایل و اصول مهمی می میرد و یا خود را به رنج دچار می کند.»^۱

در فرهنگ علوم سیاسی درباره شهادت اینگونه نوشته است:

۱- کشته شدن در راه خدا

۱- پیشگامان، ماهنامه فرهنگی- آموزشی سازمان بسیج دانش آموزی بهمن ماه ۱۳۸۳، ص ۱۷

۲- در اصطلاح حدیث و در تاریخ و ادب اسلامی به کشته شدن ضمن جهاد در راه خدا

به دست مخالفان دین گفته می شود.

در شهادت طلبی بحث از ترس از زندگی و ناامیدی نیست. شهیدان به استقبال مرگ

می روند اما با شناخت و آگاهی. شهیدان مرگ را انتخاب می کنند اما به خاطر فرار از

جامعه و واقعیت آن.

شهادت شامل دو رکن است: یکی اینکه در راه خدا و فی سبیل الله باشد، مقدس باشد

و انسان بخواهد جان خود را فدای هدف کند و دوم اینکه آگاهانه صورت گرفته باشد.^۱

در شهادت طلبی بحث از ترس از زندگی و ناامیدی نیست. شهیدان به استقبال مرگ

می روند اما با شناخت و آگاهی. شهیدان مرگ را انتخاب می کنند اما نه به خاطر فرار

از جامعه و واقعیت آن.

آنها به استقبال مرگ می روند نه به عنوان گریز از زندگی، بلکه به خاطر انگیزه ها و

اهداف و ارزشهایی که از نظر آنها بالاست. آنها نه از مرگ می ترسند و نه از زندگی

هراسی دارند.

۱- استاد شهید مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه چاپ دوم، ۱۳۵۴، ص ۳۱۴

استاد مطهری شهادت را مرگی می داند که «انسان با توجه به خطرات احتمالی یا ظنی یا یقینی فقط به خاطر هدفی مقدس و انسانی و به تعبیر قرآن «فی سبیل الله» از آن استقبال می کند.»^۱

دکتر شریعتی معتقد است که شهادت طلبی عبارت است از «فدا کردن همه وجود خویش به طور یکجا در راه یک ایده آل مقدس که سرچشمه تقدس باشد و همه آن را مقدس می دانند.»^۲

با توجه به تعاریف مذکور تعریف خاص ما از شهادت طلبی در این تحقیق عبارتست از: آمادگی افراد برای فدا شدن بطور آگاهانه و داوطلبانه با انگیزه های معنوی در راه تحقق ارزشهای والا در جامعه.

با این تعریف، جانبازان، آزادگان و رزمندگان و ... که آمادگی خود را برای ایثار و شهادت در راه ارزشهای مقدس نشان داده اند یا خواهند داد، در درجاتی از شهادت طلبی هستند. اما شهادت طلبان واقعی همان شهیدان هستند که این آمادگی را با نثار خون پاک خود به اثبات رسانده اند. بدون تردید شهادت طلبی یک موضوع اجتماعی و ارزشی است.

۱- شهید استاد مطهری، سیری در نهج البلاغه، چاپ دوم، ۱۳۵۴، ص ۲۱۶

۲- دکتر علی شریعتی، هبوط در کویر، چاپ هفتم، ۱۳۶۹، ص ۱۱۱

به طور خلاصه می توان انگیزه های شهادت طلبی را با توجه به موارد ذکر شده به شرح

ذیل خلاصه نمود:

۱- رسیدن به تکامل و جاودانگی

۲- معامله سودمند با خداوند

۳- اطاعت از خدا و رسول و اولی الامر

۴- کمک به مستضعفین و برپایی عدالت و آزادی و رفع ظلم و فتنه

۵- رسیدن به مقام والای شهادت که بالاترین نیکوئیهاست.

۶- پالایش روح و آمرزش گناهان که نظر به وجه الله و پیوستن به لقاء الله و تقرب

الی الله

۷- امر به معروف و نهی از منکر و احیاء و اشاعه سنتهای الهی و قبولی در امتحان الهی

و ذلت ناپذیری و ایثار در راه ارزشهای متعالی

۸- الگوسازی برای جامعه از طریق حماسه آفرینی و تحریک عواطف و احساسات برای

ترویج حق طلبی و انجام مسئولیت اجتماعی و حساسیت در مقابل سرنوشت جامعه

۹- تزریف خون تازه به پیکر اجتماع و تقویت روحیه انقلابی در آحاد مردم

۱۰- انتخاب بهترین و هنرمندترین و زیباترین نوع مردن

۱۱- حضور در صحنه جهاد فی سبیل الله که به بستر شهادت طلبی است و ادای تکلیف

۱۲- سیر و سلوک معنوی و طی طریق در آخرین و والاترین مراحل عرفانی و فنای

فی الله.^۱

۴-۵ شهادت در دین یهود

در آیین یهود آمده است که هرگاه یک فرد یهودی را با تهدید مرگ، به بت پرستی، قتل نفس یا زناوادر کنند، او باید به جای آن مرگ را انتخاب کند. مهم نیست که این جرم و جنایت در ملاء عام صورت گیرد یا به شکل محرمانه. شدت گناهی که در ذات این اعمال وجود دارد انجام آنها را در هر زمان، هر مکان و به هر قیمت ممنوع می‌کند. اگر از یک فرد یهودی بخواهند در ملاء عام (یعنی در حضور حداقل ده نفر یهودی دیگر) از حد و حدود مقررات شرعی تجاوز کند (مثلاً غذایی با ذبح غیر شرعی بخورد) باز باید مرگ را انتخاب کند.

اگر در دوران تعقیب و آزار مذهبی، از یک فرد یهودی بخواهند از قوانین شرع، کوچکترین تخطی و تخلفی کند بر اوست که شهادت را انتخاب کند. بسیاری عقیده

۱- فصل نامه شهود، فصل نامه فرهنگی پژوهشی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، شماره ۴، پاییز ۱۳۷۹

دارند که در دوران تعقیب و آزار مذهبی باید حتی در برابر اجبار به تغییر چیزی که تنها به شکلی نمادین با یهودیت ارتباط دارد (مثلاً لباس ویژه ملی) مقاومت کرده هرچند این درخواست به معنای دقیق کلمه از لحاظ مذهبی بی معنا باشد. اما شهادت داوطلبانه خود مقوله پیچیده‌ای است از نظر ابن میمون انتخاب شهادت در مواردی که این کار لزومی نداشته باشد، معادل خودکشی است. جوامع اروپای شرقی در سرتاسر دوران قرون وسطی به دفعات چنین شهادتی را انتخاب کردند و طی قرون متوالی مدارک مفصّلی دربارهٔ موارد تجویز، و حتی احتمالاً موارد تحسین و ستایش آن فراهم شد، و همین دیدگاه بود که مقبولیت عام پیدا کرد.

ظاهراً توسل به خودکشی را برای اجتناب از تغییر مذهب زیر فشار شکنجه منع کرده‌اند، اما بازهم این عمل بازها از یهودیان اروپای شمالی سر زد و برای آن هم بعدها توجیهاتی دست و پا کردند.

یهودیان، مسیحیت آن را نوعی شرک و در زمرهٔ بت پرستی می دانستند. ولی اسلام از نظر آنان هرچند مشخصاً دین یکتاپرستی بود، اما از آنجا که قرآن، قوانین یهود را منسوخ اعلام کرده بود، قبول اسلام کفر و ارتداد محسوب می شد و در چارچوب مواردی قرار می گرفت که شهادت را جایز می شمرد.

جوامع یهود، در کشورهای اسلامی بیشتر از یهودیان جوامع دیگر به تغییر دین اجباری تن می دادند. این الگوی متفاوت رفتاری را تا حدی می توان به این واقعیت نسبت داد که هرچند ارتداد شرعاً تفاوتی با بت پرستی نداشت، اما به هیچ وجه به آن شدت نفرت انگیز نبود و شاید تا حدودی نیز به تعبید مسامحه آمیزتر فرهنگ اسلامی از مفهوم شهادت، باز می گردد که در اصل «تقیه» گفته می شد و در کشورهای اسلامی رایج بوده است.^۱

۵-۵ شهادت در مسیحیت

شهادت یعنی پذیرش مرگ در راه عقاید مذهبی قدر و منزلت شهادت در قرون ویطی میراثی بود از کلیسای اولیه که شهادت را حد کمال انجام وظایف حیات مسیحی تلقی می کرد. رسم و آیین شهدا به آثار باقی مانده از ایشان پیوند خورده بود، و به تدریج که مسیحیت از روم و قسطنطنیه رو به شمال گسترش یافت، انتقال بقایای آثار شهدا باعث تضمین تداوم و گسترش آن شد. مراسم سالگرد بزرگداشت شهدا و زیارت مقابر آنان، رسم و راه تکریم، و حتی شوق شهادت را در دل مردم زنده نگه می داشت.

۱- شهود، فصل نامه فرهنگی پژوهشی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، شماره ۴، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۶

هرچند شمار شهدا در قرون وسطی نسبتاً کم بود، گسترش سریع رسم و راه آنان نشان می‌دهد که شهادت همچنان به صورت نوعی آرمان مسیحی دوام خود را حفظ کرده بود. هنگامی که فریسیان های کافرکیش، بونی فیس، مبلغ مذهبی را در سال ۷۵۴ میلادی به قتل رساندند، شهرت او به زودی از فولدا، جایی که آثار به جا مانده از او تقدیس می‌شد، تا سراسر اروپای شمالی گسترش یافت مفهوم شهادت به تدریج کاربرد کاملاً انعطاف پذیری پیدا کرد. در انگلستان، یک فرقه مشهور محلی منسوب به ویلیام اهل پرت، زائری که راهزنان در سال ۱۲۰۱ او را به قتل رساندند، به تدریج در روچستر شکل گرفت و گسترش یافت. منازعه بین کلیسا و حکومت، نیز شهادتی به بار آورد. آن دسته از صلیبیون که در نبردها جان می‌باختند شهید به حساب نمی‌آمدند، اما عامه مردم آنان را به چشم شهید می‌نگریستند، چرا که در راه ایمان مسیحی جان سپرده بودند. از این گذشته، اگر شرایط لازم کاملاً تحقق پیدا می‌کرد، آن قدر شایستگی داشتند که گناهان آنها مورد عفو قرار گیرد و این یعنی قدم نهادن به بهت بلافاصله پس از مرگ. اما شکست مسیحیان در دوره دوم جنگهای صلیبی و مشکلات متعاقبی که برای قلمرو پادشاهی اقوام لاتین در سرزمین مقدس پیش آمد، شوق شهادت را به سوی جانشین سلف آن یعنی زندگی زاهدانه سوق داد.

بعد از دوران تعقیب و آزار اولیه مسیحیان، زاهدان تاریک دنیا خود را گونه ای شهید جاوید قلمداد می کردند. چرا که با اعتراض از دنیا در واقع یکسره از زندگی خویش در راه مسیح دل بر کنده بودند. برنارد کلوروئی به توصیف سه گونه شهید می پردازد:

شهید در نیت و در عمل، مانند شهید نخستین، قدیس استفان؛

شهید در عمل صرف مانند معصومین مقدس؛

شهید در نیت صرف مثل سنت جان مبشر؛

نمونه آخره صورت الگو و اسوه راهبان تارک دنیا در آمد. یک سنت دیرپا که ریشه اش به اولین زاهدان تارک دنیا در صحرای مصر و پیش از آن بر می گردد. زندگی زاهدانه را شهادت سپید می نامد. راهبان ایرلندی اصطلاح شهادت سپید را در مورد کسانی به کار می برند که گرانبهاترین دارایی خود را در راه عشق به خداوند فدا کرده بودند؛ اصطلاح شهادت سبز در مورد کسانی به کار می رفت که با نوعی ریاضت نفس سخت و مداوم، امیال و شهوات خود را سرکوب می کردند. در قرون وسطی این افکار و اندیشه ها شکل و قالب نوعی راه و رسم زندگی را به خود گرفت که زمینه ساز آن به ویژه سه عهد و پیمانی بود که دین مسیح از مؤمنین گرفته بود: فقر، پاکدامنی، اطاعت.

یکی از نمونه های تکان دهنده این نوع شهادت زاهدانه قدیس فرانسیس، آسیزی است،
که با سفر به کشورهای مسلمان به عنوان یک مبلغ مذهبی و بانی صلح عملاً به
استقبال شهادت رفت.^۱

۱ - شهود، فصل نامه فرهنگی پژوهشی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، شماره ۴، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۴

۵-۶ ایثار و شهادت طلبی در تاریخ پربار انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی

هرچند همه کسانی که در طول تاریخ و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس متحمل صدماتی شده اند از مصادیق ایثارگر می باشند، اما آنان که بیشترین صدمه را برای حدوث و بقای انقلاب اسلامی متحمل شده اند و در این راه بیش از دیگران فداکاری نموده اند و جامعه، خود را نسبت به آنها مدیون احساس می کند عبارتند از:

شهیدان: کسانی که آگاهانه و در راه خدا و در دفاع از اسلام و امت اسلامی در طول دوران مبارزه قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی جان خویش را به حضرت حق تقدیم کرده اند.

جانبازان: کسانی که در طول دوران مبارزه قبل و بعد از انقلاب اسلامی، بعضی از اعضای بدن و سلامتی خود را از دست داده اند.

آزادگان: کسانی که در زندان های رژیم پهلوی و اردوگاه های حکومت بعث عراق و یا سایر دشمنان انقلاب اسلامی مدتی اسیر بوده اند و رنج اسارت را متحمل شده اند.

خاندان شاهد: پدران، مادران، همسران، فرزندان، برادران و خواهران شهدا و نیز خانواده جانبازان، آزادگان که صدمات زیادی بر آنان وارد شده است.

اعضاء بسیج: آن دسته از زنان، مردان، پسران و دخترانی که به صورت داوطلبانه و بر اساس اعتقاد به انقلاب اسلامی در پایگاه های بسیج حضور یافتند و بدون توقع مادی از حریم کشور و ملت پاسداری می کنند.

۱-۶-۵ شهید و شهادت از دیدگاه امام خمینی (ره)

در این بخش بررسی مسئله «شهید و شهادت» از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) می‌پردازیم، در بخش‌های مختلف به شرح زیر تهیه و تدوین شده است.

۱- شهادت در بستر تاریخ از دیدگاه امام خمینی (ره)

۲- مفهوم و ارزش شهادت از دیدگاه امام خمینی (ره)

۳- مقام و منزلت شهدا از دیدگاه امام خمینی (ره)

بخش نخست: به طور مختصر به بررسی فرهنگ شهادت و نقش حضرت امام (ره) و انقلاب اسلامی در احیای مجدد آن می‌پردازد.

بخش دوم، به اختصار به بحث شهادت در بستر تاریخ اشاره می‌کند و شهادت را سنت دیرینه انبیای الهی و حافظ مکتب دانسته و انقلاب اسلامی را تداوم راه پر برکت حضرت اب‌عبدالله (ع) معرفی می‌نماید.

بخش سوم با بررسی و شرح مفهوم و ارزش شهادت، مقام و منزلت شهدا از دیدگاه امام خمینی (ره)، به بیان نمونه‌هایی از بیانات گهربار حضرت گهربار حضرت امام (ره) در این راستا پرداخته و شهادت را بازگشتی انتخاب شده و اوج بندگی و سیر و یلوک در عالم معنویت معرفی کرده و ارزش آن را به مرتبه اخلاص وابسته می‌داند.

۲-۶-۵ - شهادت در بستر تاریخ از دیدگاه امام خمینی (ره):

شهادت اهدای خون در راه خدا برای حفظ مکتب و رسیدن به هدف، سنت دیرینه

انبیاری الهی است و انبیا عظام (ع) برای اصلاح جامعه آمدند و در این راه نیز فدا شدند.

حضرت امام خمینی (ره) می فرمایند:

«انبیاء و اولیا همه خونشان را دادند ... همه چیزشان را دادند برای این که حفظ بشود

این مکتب»

برای این منظور ایستادگی و مبارزه در مقابل ظلم، ظالم و هرگونه استبداد و ستمگری،

بیداد و تباهی لازم و ضروری به نظر می رسد. حضرت امام (ره) که خود نیزه سیره ای

انبیایی داشتند در قسمتی دیگر از بیانات گوهربار خود به این مطلب اشاره داشته و

می فرمایند: «سیره انبیا ... سیره بزرگان به این معنا بوده است که معارضه با طاغوت

ولو این که زمین بخورند، ... کشته بشوند و یا کشته بدهند، ارزش دارد که انسان در

مقابل ظلم بایستد و نگذارد که این قدر ظلم زیاد بشود.»

هم چنین حضرت امام (ره) حفظ اسلام را در رأس تمام واجبات می دانستند و کوشش و فداکاری جان فرسای انبیا عظام، از آدم (ع) تا حضرت محمد (ص) و سپس ائمه معصومین (ع) را در جهت حفظ اسلام تبیین می نمایند.

۳-۶-۵ مفهوم و ارزش شهادت از دیدگاه امام خمینی (ره):

حضرت امام خمینی (ره) برای شهادت - این هدیه الهی - آن چنان ارزش و اهمیتی قائل بودند که در سخنان و آثار خود به کرات مفهوم آن را مورد تبیین و تفسیر قرار داد و از آن به عنوان فخر اولیاء، آرزوی اولیاء، شیوه پیغمبر عظیم الشان، اوصیا و اولیاء، خط آل محمد (ص) و حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) میراث اولیاء، فوز عظیم، سرافرازی، توفیق عزت، عزت ابدی، زنده بودن ابدی در نزد خدا، حیات و زندگی، سعادت همیشگی، چراغ هدایت ملت ها، سعادت و فخر ملت، افتخار جاودانی، هدیه الهی برای افراد لایق، ازادی روح، رهایی از زندان، آسایش فکری، عاملی پیروزی، شیرین تر از عسل، بازگشتی انتخاب شده و ... یاد می نماید و چنان که در بالا اشاره شد، شهادت از دیدن امام (ره) بعنوان میراثی است که از انبیا و اولیاء (ع) به ذریه طیبه و به پیروان خط آنان و ملت شهید پرور ما به ارث رسیده است.

حضرت امام (ره) شهادت را فراتر از سنجش های مادی و انگیزه های مادی و هرگونه ارزشیابی آن از این طریق معرفی می نماید و چنانکه در فرازی از بیانات ارزشمند خود به تبیین این مهم پرداخته و می فرمایند: «و چه غافلند دنیاپرستان و بی خیران که ارزش شهادت را در صحیفه های طبیعت جست و جو می کنند و وصف آنرا در سروده ها و حماسه و شهرها می جویند و در کشف آن از هنر تخیل و کتاب تعقل مدد می خواهند و حاشا که حل این معما جز به عشق میسر نگردد که بر ملت آسان شده است.^۱

حضرت امام (ره) «ارزش شهادت به مرتبه اخلاص وابسته است.»^۲

۴-۶-۵- مقام و منزلت شهدا از دیدگاه امام خمینی (ره)

مقام و منزلت و درجه کمال و تعالی شهدا در نزد حضرت امام (ره) دارای چنان مرتبه رفیعی است که نه تنها قلم را عاجز و زبان ها را قاصر از هرگونه توصیف و اظهار نظر در خصوص این ضیافت مقام ربوبی و ارزیابی همه جانبه آن می داند، بلکه افلاکیان را نیز از راه یافتن بر کنه این ارزش و مقام عظیم عاجز و ناتوان معرفی کرده و می فرماید:

۱- ص ن- ج ۲۰- ۱۳۶۵/۱۱/۱۶

۲- ۱۳۶۱/۱/۲۸

«ماها و نویسندگان و سخنوران اگر بخواهیم ارزش عملی شهیدان و جانبازان راه خدا را و فداکاری آنان و حجم پیامد این شهادت ها و جان نثاری ها را بشماریم، شاید ناچار باشیم به عجز خود اعتراف کنیم، تا چه رسد به مراتب معنوی و مسائل انسانی و الهی آن، که بی شک عاجز و وامانده می باشیم ... پس اولی آن است که به بعضی پیامدهای ظاهری مشهود بپردازیم. چه که ارزیابی همه جانبه آن میسر نیست.»^۱

«این جا عمل و جسارت مطرح نیست، بلکه عشق به محبوب حقیقی که همه چیز را محو می کند هر انگیزه ای غیر از عشق به او را می سوزاند، مطرح است.»^۲ از این رو «الفاظ و عبارات توان توصیف آنانی را که از بیت مظلوم بسوی حق تعالی و رسول اعظمش هجرت نموده و به درگاه مقدسش باز یافته اند، ندارد»^۳ و «زبان و بیان ما عاجز از ترسیم مقام بلند پایه چنین عزیزانی است»^۴

هم چنین امام راحل (ره) از شهدا بعنوان حاملان امانت وحی، مهاجران الی الله و رسوله، دارای زندگانی ابدی ... و در پیشگاه خدا جاویدان، شمع محفل دوستان، مهمان و عزیز خدا، افرادی پیروز بر نفس خود، به شمار می آورد و شهید و عمل او را

۱- ۱۳۶۱/۱۱/۲۱

۲- ص ن. ج ۱۸. ص ۲۲۹ و ۲۳۰

۳- ص ن، ج ۱۹، ص ۴۰

۴- منابع بالا

افضل از همه چیزها که بالاتر از آن خوبی ای وجود ندارد، معرفی می نماید که طبق روایت منقول از رسول اکرم (ص) در اصول کافی نظر می کند به وجه الله، و انبیا را مقارن شهدا قرارداد که در جلوه ای که حق تعالی می کند به انبیا، همان را هم بر شهدای می کند و شهدا را هم به آخر منزلی که برای انبیا هست، می رسند و باقی اند و زنده نزد خدا روزی های معنوی و همیشگی دریافت می کنند و شرافت انسانی شان برای انسانیت است و ارزش های انسانی را به ثبوت رسانده اند. به تعبیر امام (ره) «اینان مشمول عنایات و رحمت های بی پایان خداوند، در جوار اولیای عظیم الشان با سعادت در دنیا و آخرت قرینند.»^۱

^۱ - شهود، فصل نامه فرهنگی پژوهشی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، شماره ۳، تابستان ۱۳۷۹، ص ۱۱

۶- تأثیر ایثار در تکامل فرد

ایثار یعنی ترجیح دادن منافع دیگران بر منافع خود. یکی از تأثیرات ایثار بر فرد افزایش روحیه همکاری در نوجوانان و جوانان است. با افزایش روحیه همکاری در جامعه نظم و انضباط خاصی حاکم می شود که این خود یکی از عوامل وحدت ملی در میان افراد یک جامعه است. در این صورت اگر حتی برای یکی از افراد مشکلی پیش بیاید افراد دیگر با فداکاری و ایثار مانع برهم ریختن این همکاری می شوند. تأثیر این روحیه در خانواده نیز منعکس می شود. در خانواده هم هرکس می کوشد تا نظم برهم نخورد. هم چنین چون ایثار یک ارزش اجتماعی است فرد را به یک انسان اجتماعی تبدیل می کند و چنین انسانی می تواند در اجتماع زندگی کند و نیازهای خود را با دیگران و همکاری و هماهنگی آن ها رفع کند.

یک نمونه از تأثیر ایثار بر فرد عزت نفس است و تکامل معنوی. حال اگر بخواهیم به بررسی این موضوع بپردازیم، باید ابتدا تعریفی از عزت نفس داشته باشیم. در واقع وقتی انسان ایثار می کند به یک تکامل نسبی می رسد که وقتی این ایثار به بالاترین درجه خود یعنی شهادت برسد، این تکامل به اوج خود می رسد.

اوج تعالی معنوی انسان در صورتی است که انسان جان در کف بگیرد و خود را به خاطر دیگران فدا کند. گاه افراد علاوه بر رضای خدا، به خاطر خود ایثار می کنند از نظر روحی به تکامل برسند و از این ایثار علاوه بر سودی که دیگران می برند خود او نیز یک نفعی می بیند.

یک نمونه از ایثار، ایثار معلم نسبت به دانش آموز است که علاوه بر وظیفه خود که در قبال حقوقی که می گیرد چیزهای بیشتری نیز به دانش آموزانش بیاموزد و حتی در حوزه غیر درسی به آنان کمک کند و به عنوان یک بزرگتر با تجربه، تجربیات خود را در اختیار او قرار می دهد.

هر انسانی بر اساس عقایدی که در ذهن دارد تصمیم می گیرد و به آن عمل می کند. حال اگر یک جانباز یا آزاده را در نظر بگیریم این آزاده یا جانباز با تکیه بر روحیه ایثارگری، خدمت به هممنوع و احساس مسئولیت در هنگام تجاوز به کشور از جان خود می گذرد. حال این سؤال پیش می آید که آیا این روحیه ایثارگری همچنان بعد از گذشت بحران ادامه خواهد داشت؟

قطعاً اگر بررسی های لازم انجام شود به این نتیجه خواهیم رسید که در صورت مساعد بودن شرایط هیچ گاه این عقاید از بین نخواهد رفت. این شرایط را مردم و اجتماع به

وجود می آورند به عنوان مثال، دولت با در اختیار قرار دادن تحصیلات لازم در تقویت دوباره روحیه ایثارگری نقش به سزایی را ایفا می کند و هم چنین مردم با قدردانی از این عزیزان می توانند این امر را دوباره احیا می کنند.

چه بسا بسیار کم اند رزمندگان و ایثارگرانی که بعد از جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی عقاید و باورهای دینی خود را زیر پا گذاشتند که در این ها نیز باید به دنبال انگیزه ها و عواملی گشت که این افراد را به سمت دیگری سوق داده است.

۱-۶ ایثار و خدامحوری

آنچه درباره «ایثارگری» در فرهنگ شهادت گفته شد در تمامی جوامع، مشترک است و ربطی به ایمان دینی جوامع ندارد حتی در بین پیروان مران های غیر دینی افرادی بودند و هستند که برای حمایت از منافع جامعه از منافع فردی می گذرند و در مواردی جان خویش را نیز فدای جامعه می کنند. اما آنچه در ایمان دینی وجود دارد این است که انسانی که جان خویش را در راه دفاع از مردم فدا می کند اگر مؤمن به خدا باشد و برای جلب رضای خداوندی از جان خویش بگذرد، نه تنها چیزی را از دست نداده بلکه تا نیل به مقام قرب حضرت حق، آری شهید با تقدیم جان ناقابل خویش به جوار

حضرت حق می شتابد و به وجه الله نظر می کند و مرزوق عندالرب می شود. گسترش این روحیه در تمامی افراد جامعه به این معنی است که هر کسی در انجام تکالیف فردی و اجتماعی خدا را در نظر بگیرد و او را حاضر و ناظر بر اعمال بداند و فقط برای جلب رضای او کار کند. دوستی و دشمنی او با دیگران بر این اساس استوار باشد برای چنین کسانی موقعیت های سیاسی و اجتماعی و منافع اقتصادی، هدف نیست. او اگر مسئولیتی را می پذیرد فقط برای انجام وظیفه دینی است و اگر کاری انجام می دهد از کسی توقع اجرت ندارد بلکه اجر عملش را از خدا می طلبد و جز به رضای حق نمی اندیشد.

بدیهی است اگر افراد جامعه به گونه ای تربیت شوند که حرکت و سکونشان برای خدا باشد و شعارشان این باشند که «آن صلوتی و نسکی و محیای و هاتی لله رب العالمین» میزان تنازع و درگیری در میان افراد آن جامعه به حداقل خواهد رسید. و روابط بین آنها خدایی و مملو از عشق و محبت خواهد بود و فرهنگ شهادت به ما می آموزد که وقتی شهید به عنوان عالی ترین انسان خدا محور برای جلب رضای خداوند از بالاترین سرمایه زندگی خویش گذشت ما هم برای جلب رضای حق از منافع پست خویش بگذریم و از سوی دیگر وقت جلب رضای خداوند ملاک عمل صالح بود دیگری برای

خوشایند هرکسی غیر خدا، تن به هر کاری نخواهیم داد و از هرگونه تملق و مداهنه و

نفاق و ریا کاری و دروغگویی برای خوشایند دیگران پرهیز خواهیم کرد.^۱

۲-۶- نقش ایثار در رشد و تعالی انسان

در اصل لغت ایثار از اثر مشتق است، وقتی کسی چیزی را بر می‌گزیند و آن چیز را ترجیح می‌دهد، به این دلیل است که با منطق خاصی، اثر و نتیجه و فایده آن چیز را ترجیح می‌دهد. در قرآن کریم راجع به انسانهای دنیاطلب، که تمام هم و غم خود را مصروف دنیا می‌کنند و به هیچ وجه به عاقبت و آخرت و آثار اخروی و نتایج آن جهانی اعمال خود نظر نمی‌کنند، فرموده است:

۱- بل تؤثرن الحياه الدنيا و الاخره خیر و ابقی آن هذا لفی الصحف الاولى صحف

ابراهیم و موسی (اعلی/۱۹-۱۶)

۲- فاما من طغی و آثر الحياه الدنيا فان الجحیم هی المأوی و اما من خاف مقام ربه و

نهی النفس عن الموی آن الجنه هی الماوی (فازعان/۴۱-۳۷) در این آیه شریفه، مقدم

داشتن دنیا و ترجیح دادن آن در مقابل خوف از مقام الهی و باز داشتن نفس از هوی و

^۱ - شهود، فصل نامه فرهنگی و پژوهشی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، شماره ۶ و ۷، بهار و تابستان ۱۳۸۰، ص ۷۹

هوس است. در این آیات، به قرینه متعلق و مفعول ایثار، که حیات دنیا باشد، ایثار در معنای منفی آن به کار رفته است به بیان دیگر در آیات یاد شده، ایثار حیات دنیا به معنای رضایت به حیات دنیا و به حیات دنیا مطمئن بودن و به لذتها و منافع و خوشی های حیات دنیا اکتفا کردن است. ایثار دنیا به معنای غفلت از آخرت و عدم امید به ملاقات الهی است:

۱- آن الذین لا یرجون لقائنا و رضوا بالحیاه الدنیا و اطمأنوا بها والذین هم عن آیاتنا غافلون (یونس/۱۰) و نیز کسانی که از یاد خدا روی می گردانند و جز زندگی دنیا، هدف و غایت و مقصد دیگری ندارند، مطابق آیه ۲۹ سوره نجم، حیات دنیا را مقدم داشته اند: ۲ «و ما عندالله خیر و ابقی» ۳ «و ما عندالله خیر و ابقی للذین آمنوا و علی ربهم یتوکلون»

ایثارگر، اگرچه آخرت را بر دنیا مقدم می دارد لکن نیک می داند که وجهه باقی آخرت نیز از ناحیه باقی علی الاطلاق است:

«کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام»

به عبارت دیگر از رزق ربک خیر و ابقی است و اگر ما عندالله خیر و ابقی است و اگر بقیه الله خیر لکم آن کنتم مؤمنین است.

پس ایثارگر، آخرت را نه برای آخرت بلکه برای صاحب آخرت می خواهد.

عشق آن زنده گزین کو باقی است وز شراب جانفرایت ساقی است

ایثارگر اگر از رزق دنیوی می گذرد و دیگران را در این رزق دنیوی بر خود مقدم

می سازد، از آنروست که جویای مقام «عندیت» است. بل احیاء عند ربهم یرزقون اذ

قالت رب ابن لی عندک بیتاً فی الجنة. (تحریم / ۶۶)

قرب، مطلق نزدیکی را می رساند لکن «عندیت» درجه اعلاّی قرب و حضور است. فی

مقعد صدق عند ملیک مقتدر فرق است میان این که بگوئیم «آن الله معنا» تا این

که بگوئیم «انا عندالله»

به آیات شریفه ذیل دقت کنید:

«ان الله مع الصابرين» «آن الله مع المتقين»، «آن الله مع الذين اتقوا والذين هم

محسنون»، «آن الله مع المحسنين» و آن را مقایسه کنید با عندیت شهدا که

ایثارگر جان خود هستند و به درجان والای صبر، تقوی و احسان نایل شده اند از واژه

عندالله یکی دیگر از ویژگی های ایثارگران نیز به دست می آید. عنید یا عنود یعنی

کسی که از روی خودکامگی، خودپرستی و خودمداری، دشمنی ورزد، چه قدر فرق

است میان ایثارگر که عندالله است و آنانکه عنیدالله اند. به این ترتیب ایثارگری به

معنای نوع دوستی و دیگر دوستی نیست بلکه به معنای خدا محوری، خدادوستی و خدامداری است. به عبارت دیگر سه مرحله داریم: ۱- خود مداری و خود دوستی ۲- دیگر دوستی ۳- خدامداری و خدا دوستی، مفهوم ایثار با مفهوم قدسی (عندالله) بودن قرین است.

گر برود جان ما در طلب وصل دوست حیف نباشد که دوست، دوست تر از جان ما است

ایثارگر، نوع دوست نیست، بلکه منظور آن است که نوع دوستی ایثارگر، لازمه لاینفک و از نتایج اجتناب ناپذیر خدادوستی است.

در آیه شریفه: «انما نطمعکم لوجه الله لا نریر منکم جزاء و لا شکورا» (الدهر/ ۸-۷).

آنجا که علی و آل علی به مسکین و یتیم و اسیر می گویند (ولو به زبان حال) از شما پاداشی می خواهیم و نه سپاسی، نه به این معناست که نوع دوست نیستند و به نوع خود اهمیتی نمی دهند بلکه دقیقاً به این معناست که ایثار بی شائبه و بی ریا و صرفاً برای جلب رضای الهی انجام می دهند. بدین ترتیب ایثارگران نه اهل منت گذاران هستند و نه اهل توقع و چشمداشت از دیگران، بلکه صرفاً لوجه الله یعنی برای رضای الهی ایثار می کنند. آیه شریفه، توصیف حال اهل بیت است و حال کسانی که

در آیه شریفه، مورد توصیف قرار گرفته اند. بسیار بالاتر و والاتر از حال کسانی است که در روایت امیرالمؤمنین مورد توصیح قرار گرفته اند، لا یزهدنک فی المعروف من لا یشکره لک - فقد یشکرک علیه من لا یستمع بشی منه.

از عنصر عنداللهی (=عند ربهم یرزقون) عنصر بقیه اللهی، عنصر وجه اللهی ایثار، که عنصر و عصاره قدسی ایثار است سخن گفتیم، بنابراین تئوریسین ها و استراتژیست های ماتریالیست که منکر ابدیت و تجرد روح اند و حتی سکولاریست ها که در صدد مطلق (طبیعت و ماورای طبیعت)، (دین و دنیا)، (خدا و انسان)، (عقل و وحی) هستند، هرگز قادر به تبیین منطقی ایثار نیستند، فرد گرایان، منفعت گرایان، قائلان به اصالت لذت و آنان که تنها به حق در مقابل تکلیف می اندیشند یعنی اصالت را با حق می دانند و هیچ محدودیتی برای حق قائل نیستند مگر از ناحیه حفظ حقوق و آزادی های خود و دیگران، هیچ توجیهی برای ایثار ندارند. اصولاً فداکاری و ایثار زمانی معنا دارد که انسان به تکلیف خود در برابر بشریت بیشتر بیاندیشد تا به حقوق خود، هر تفکری که به نحوی سر از اگوئیسم (Egoism) انسان محور به نحوی سر از اصالت انسان منهای ابدیت (= اومانیزم) در آورد بیهوده سخن از فداکاری می گوید و دروغ خود را حافظ و حامی ایثار و ارزشهای انسانی از قبیل احسان، انفاق، اکرام، تعان و مواسات معرفی

می نماید. بگذریم از هابز که به صراحت تمام، انسان را گرگ انسان معرفی می نماید و بگذریم از امثال نیچه که با تکیه بر اصالت قدرت، هرگونه احسان، انفاق و تعاون را به طور صریح اخلاق ضعیف پرور دانسته و منکر فضیلت های اخلاقی از این قسم است. طرفداران اخلاق تکاملی که تبع دارونیزیم طبیعی در عالم اخلاق نیز قائل به تنازع بقا هستند. اساساً جایی برای فداکاری، تعاون و ایثار باقی نمی گذارد.

مفاهیم اخلاقی از قبیل احسان، جود، انفاق و انصاف را با ایثار مقایسه کنید تا دریابید که ایثار یک فضیلت اخلاقی فوق همه این فضائل است. جود و بخشش احسان مالی محسوب، احسان ممکن است مالی باشد، ممکن است غیر مالی، از این جهت احسان مانند ایثار است که ایثار ممکن است ایثار مال و یا ایثار جان باشد. آیه شریفه «و یطمعون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیمات و اسیرات انما نطعمکم لوجه الله» ظهور در ایثار مالی دارد و آیه شریفه «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله و

الله رؤوف بالعباد» (بقره/۲۰۷) ظهور بر ایثار جان و از خود گذشتگی دارد؛

بات علی ابن ابی طالب علی فراش رسول الله (ص). یفریه بنفسه بالحیاه فانزل الله

تعالی: «و من الناس من یشری...»

من غلام آنکه نفروشد وجود جز به آن که سلطان با افضال وجود

من غلام آن مس همت پرست

که بر غیر کیمیا نارد شکست

این کلام مولا انسان را به یاد کلماتی از حضرت امیر (ع) می اندازد که فرمود: «بر معامله ای است که شخصیت خود را با جهان مادی برابر کنی و دنیا را به بهای انسانیت خویش بخری» و لبس المتجران تری الدنيا لنفسک ثنا امیرالمؤمنین در وصیت معروف خود به امام حسن (ع) می فرماید: **اکرم نفسک من کل ذنیه فانک لن تعناض بما تنزل من نفسک ثمناً.** نفس خویش را از آلودگی به دنیا گرامی بدار که در برابر آنچه از خویشتن خویش می پردازی بهایی نخواهی یافت. از امام سجاد سؤا شد چه کسی از همه مردم با ارزش تر و با اهمیت تر است؟ فرمود آن کس که همه دنیا را با خویش برابر نداند. اسلام ارزش دنیا را پایین نیاورده است بلکه ارزش انسان را بالا بوده است. اسلام دنیا را برای انسان می خواهند نه انسان را برای دنیا. ایثار به مال و یا ایثار به جان را دانستیم. در قرآن کریم از جمع هر دو نیز سخن گفته است که البته جمع هر دو نور علی نور است.

عاشق آن است که چون سودا کند یک جا کند. «الذین آمنوا و هاجروا و جاهدو فی

سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجه عندالله» (توبه/۵۲۰)

به تعبیر مولانا:

آن درم دادن سخن را لایق است جان سپردن، خود سخای عاشق است

نان دهی از بهر حق نانت دهند جان دهی از بهر حق جانت دهند

«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله اموا تا بل احياء عند ربهم یرزقون»

«و لا تقول لوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احياء ولكن لا تشعرون» (جان

دهی از بهر حق جانت دهند)

نیک می دانیم که مرگ مساوی با عدم نیست و صرفاً انتقال از نشئه ای از حیات به

نشئه ای دیگر از حیات است و این امر اختصاص به شهدا و ایثارگران ندارد. پس معلوم

می شود که آیات شریفه قرآن در مورد شهدا از هر حیاتی سخن نمی گوید، بلکه از

حیاتی واقعی و عالی و حیاتی برتر و از حیاتی با نعمتها و ثمرات نامحدود سخن

می گوید. این حیات از دیدگاه بسیاری از مفسران از جمله علامه طباطبایی «حیات

طیبه» است. علاوه طباطبایی ویژگی حیات طیبه را حضور عندالرب و حالت عدم خوف

خزن می داند ... «عندربهم یرزقون فوصین بما اتاهم الله من فضله

ویستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم (لا خوف علیهم و لاهم یحزنون)

حزن و اندوه از زیان موجود و خوف و ترس از زیان محتمل مستقبل ، هرگز به ساحت

پاک شهدا و اولیاء الله نمی یابد ، الا آن اولیاء الله لاخوف علیهم و لاهم یحزنون

عمده مشکل مردم جهان عموماً و جهان امروز خصوصاً، اضطراب و عدم امنیت خاطر است و این یکی از معانی معیسه خنک است « و من اعرض من ذکری فان له معیسه فنکا » (طه / ۲۴) . و در نقطهٔ مقابل آنان که اهل ایثار آخرت بر دنیا هستند .

الف : ۱- اهل مشیت الهی اند : «رفی الله عنهم و رفواعنه ذلک لمن خشى ربه»
(بینه / ۸) « یا ایتهای النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه»

۲- اهل احسان اند «والذین اتبعوا هم باحسان رضی الله عنهم و رضوا» (توبه/ ۱۰۰)

۳- بنای آنها بر تقوی و جلب رضای الهی است. «افمن اسس بنیانه علی التقوی من الله

و رضوانه خیرا من اسس بنیانه علی شفا جرفها رفانها برفی ناز جهنم» (توبه/ ۱۰۹)

ب: متوکل علی الله اند، نه متکی و مطمئن به دنیا، دلپایشان فقط به یاد خدا آرام

می‌گیرد «الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذکر الله الا بذکر الله تطمئن القلوب»

(رعد. ۲۸)

ج- به دنبال دار آخرت و نعمت های باقی هستند، نه مدیر حیات دنیای قلیل زودگذر،

«واتبع فیما اتاک الله الدار الاخره» (قصص/ ۲۸). بهترین نعمت را نعمتی می دانند

که با آن زاد و توشه آخرت خود را فراهم کنند، دنیا را معین آخرت خود قرار می دهند.

د: خرسند و خشنود به حیات زودگذر دنیا نیستند «فرحین بما اتاهم الله من

فضله...» (آل عمران ۱۷۰/۱) «الا خوف علیهم و لاهم یحزنون» هستند.

ه. نه تنها علم آنها منحصر به حیات دنیا نیست بلکه به خصلت خالصی مجهزند که

توجه و تفتن به حیات آخرت است «انا اخلصناهم بخالصة ذکرى الدار». (ص/۳۸)

بدیهی است آنکه اوصاف (خیر) الف الی هـ) در او نباشد و به عکس ردایل پنج گانه

یعنی «... رمنوا بالحیاه الدنیا، و اطمأنوا بما» (یونس/۷)، «ولم یرد الاحیاه الدنیا»

(نجم/۲۹)، «و فدحوا بالحوه الدنیا» (رعد/۲۶) و هم چنین «یعلمون ظاهراً من

الحیاه الدنیا» (روم/۷)

۳-۶- ایثار و عزت نفس

یکی از تجلیات فرهنگ شهادت در عمل شهیدان، عزت نفس است، زیرا برای هر کسی ممکن است شرایطی فراهم شود که برای رسیدن به خواسته ها و امیال شخصی و یا حفظ موقعیت های دنیوی مجبور به تحمل حقارت و ذلت باشد اما همه این ذلت پذیری ها برای این است که در نهایت، جان انسان در معرض خطر قرار نگیرد. وقتی انسان از جان خود می گذرد و برای حفظ جان خود تن به ذلت و حقارت نمی دهد به طریق اولی برای رسیدن به موقعیت های دنیوی یا حفظ این موقعیت ها عزت خویش را زیر پا نمی گذارد. حضرت امام حسین (ع) در پاسخ به پیروان یزید که آن حضرت را بین مرگ با عزت و زندگی با ذلت مخیر می کنند می فرمایند: هیئات منالذله. آری منطق شهید در روابط و مناسبات اجتماعی زیر بار ذلت نرفتن و حفظ عزت نفس ایت و تقویت این روحیه در شهروندان سبب می شود تا روابط حاکم بر آنها مبتنی بر حفظ عزت نفس و مناعت طبع استوار باشد.^۱

^۱ -فصل نامه شهود، شماره ۶ و ۷، بهار و تابستان، ص ۸۱

۴-۶ ایثار و توجه به آخرت

انسان طراز مکتب از نگاه اسلام، انسانی است که دنیای خویش را آباد می‌کند اما هرگز دنیا را مأمن و مأوای اصلی خویش نمی‌پندارد بلکه آن را راهی برای عبور به سوی جهان آخرت می‌داند. این که در روایت تصریح شده که حب الدنیا رأس کل خطیئه برای این است که وقتی دنیا هدف شود بسیاری از ارزش‌های انسانی زیر پا گذاشته می‌شود و این روحیه در روابط اجتماعی آثار سوء فراوانی به بار می‌آورد و نیز بی‌توجهی به معاد و عالم آخرت موجب طغیان و فساد می‌گردد. شاید یکی از دلایل تکرار نام خداوند در نمازهای یومیه با صفت «مالک یوم الدین» استمرار یاد قیامت و عالم آخرت و تأثیر آن در جلوگیری از فساد و انحراف انسان باشد و شهید برسد دو راهی دنیا و آخرت، آخرت را بر می‌گزیند و به ما می‌آموزد که به حیات دنیا راضی نشویم و برای به چنگ آوردن زخارف آن، ارزش‌های انسانی را زیر پا نگذاریم و حقوق دیگران را تضییع نکنیم. به راستی اگر افراد جامعه در روابط و مناسبات فی مابین به معاد و آخرت توجه داشته باشیم اصول و ارزش‌هایی مانند عدالت - صداقت - امانت و بسیاری از ارزش‌های معنوی و انسانی را رعایت می‌کنند و از دنیاطلبی، جاه‌طلبی ستمگری،

دروغگویی، خیانت و بسیاری از خصلت های مذموم پرهیز می کنند و چنین جامعه ای در روابط فی مابین احساس امنیت خواهد کرد.^۱

۵-۶ ایثار و صبوری و پایداری در برابر ناملايمات

صبر و استقامت در برابر ناملايمات و مشکلات زندگی یکی از عوامل موفقیت است و بسیاری از منازعات اجتماعی بر اثر بی صبری و فقدان تحمل پدید می آید. به همین جهت است که امام علی(ع) می فرماید:

«عليکم بالصبر فان الصبر من الايمان كالرأس من الجسد» بر شما باد به صبر و شکیبایی زیرا صبر برای ایمان چون سر است برای بدن.^۲ واضح است که هیچ بدن زنده ای بدون سر، قابل تصور نیست و با این توصیف هیچ ایمان حقیقی بدون صبر قابل تصور نیست. شهیدان که مظاهر راستین ایمان حقیقی هستند با صبر و استقامت در مقابل دشمن و تحمل جراحت و از دست دادن اعضای بدن و بالاخره با صبر در مقابل کشته شدن در راه حق به شهروندان آموختند که چگونه در مقابل ناملايمات، برداری

^۱ فصل نامه شهود، شماره ۶ و ۷، بهار و تابستان، ص ۸۰

^۲ -جلوه های حکمت، واژه صبر ص ۳۵۵

پیشه کنند و آموختند که مشکلات و سختی های زندگی هرچه بزرگ باشد به بزرگی
جان دادن و تحمل مرگ خونی نیست. و بدیهی است که اگر چنین روحیه ای در
جامعه حاکم شود میزان بردباری و تحمل در روابط و مناسبات اجتماعی به سطح قابل
قبولی خواهد رسید و بسیاری از کمبودها قابل تحمل خواهد شد و جامعه از سلامت
روحي بهتری برخوردار خواهد شد.^۱

^۱ - شهود، فصل نامه فرهنگی پژوهشی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، بهار و تابستان، شماره ۶ و ۷، ص ۸۱

۷- تأثیر ایثار در تکامل اجتماع

ما در زندگی روزمره با انواع ایثار روبرو هستیم، گذشت پدر و مادر در مقابل همدیگر و فرزندان یا فرزندان با هم یک نمونه کوچک از ایثار در بنیاد جامعه و خانواده است. پس، اگر از ابتدا ایثار در فرد است آغاز کنیم و در بنیان زندگی اجتماعی که همان خانواده است پایه گذاری کنیم این ایثار آرام آرام به اوج خود می رسد و در تمام جامعه نهادی می شود.

پس برای این که به یک جامعه یک دست و هماهنگ برسیم ابتدا باید این ایثار را به یک اندازه در تک تک افراد یک جامعه پایه گذاری کنیم.

در مسائل اقتصادی جامعه امروزی ما کمتر با ایثار روبرو می شویم چون امروزه پول به عنوان یک ارزش اجتماعی محسوب می شود که کمیاب است و همه افراد با یکدیگر رقابت دارد اما این رقابت رقابتی نیست هرکسی چه قدر که به پول دست می یابد باز در طلب مقدار بیشتری پول دیگران را کنار می زند اجازه رشد به آن ها نمی دهد.

حال این سؤال مطرح می شود که وقتی ایثارگر روحیه ایثارگری را در خود تقویت می کند یابر خانواده، محیط کاری، اجتماع و ... اثر می گذارد و اثر آن در کدام قسمت جامعه بیشتر است؟

بی شک هر فردی در خانواده بیشترین اثر را می گذارد چرا که یک فرد در نقش پدر می تواند با اخلاق های زیبا و جامعه پسند برای افراد خانواده و از جمله همسر و فرزندان الگوی مناسبی باشد. یک پدر ایثارگر در جبهه های جنگ می تواند یک پدر ایثارگر در خانواده و خانه باشد و یا وقتی یک مادر را در نظر می گیریم که نه ماه رنج می برد بعد از نه ماه پا به پای فرزند حرکت می کند، شب ها بیداری می کشد و هر رنجی را متحمل می شود به نظر شما آیا وظیفه ای در قبال فرزند دارد؟ پس تنها یک بسیجی یا ایثارگر نیست که ایثار می کند بلکه مادر نیز در جایگاه خود والاترین ایثار را انجام می دهد.

یک فرد در محیط اجتماعی هم می تواند روحیه ایثارگری داشته باشد وقتی دیگران این روحیه را در فرد می بینند آنها نیز به تبعیت از او در این راه مقدس قدم می گذارد. وقتی یک فرزند بزرگتر از حق خود می گذرد تا برادر یا خواهر کوچکتر از امکانات بهتری برخوردار شود آیا این نوع نیز ایثار نیست؟

پس در نتیجه ایثار و پایه گذاری آن را باید از خانواده آغاز کنیم تا در اجتماع نهادی شود.

نشد فرهنگ ایثار و شهادت در حوزه های گوناگون اجتماعی ، فرهنگی ، سیاسی و اقتصادی قابل بحث و بررسی است . برای دستیابی به یک الگوی مناسب رفتاری ، نیازمند تأمین تمامی ابعاد مطروحه هستیم . در ذیل ، به طور اختصار به هر یک از حوزه های مذکور اشاره می شود :

۸۰- ترویج فرهنگ ایثار در حوزه اجتماعی

می توان این بخش را در سه سطح همپوش ، پی گرفت :

- سطح نخست: ارزش ها و معیارهایی است که در سطح خانواده مطرح است .
- سطح دوم: ارزش هایی که در محیط جغرافیایی ، منطقه ای ، بومی و قومی موجود است .
- سطح سوم : شاخص های فرهنگی که منشعب از سیاستگذاری های کلان اقتصادی و آموزشی دستگاه های حاکم است که تأثیر مستقیم بر روی رفتار و افکار عامه مردم می گذارد . تا آنجا که بافت اجتماعی را بدین منظور نسبت می دهند . در تمامی این سطوح ، ترویج فرهنگ ایثار و شهادت ، تابع معیار و دستورالعملهای ویژه منحصر به فرد به خود است .

۸-۱ سطح نخست (خانواده) : (۱-۱-۵)

خانواده بنیادین ترین کانون اجتماعی در تشکیل اقشار و اراءنسل نومی باشد . همان طور که رهبر معظم انقلاب در مورد شهید حسین فهمیده فرمود که ایشان « حاصل تربیت صحیح است » . پر واضح است که تربیت و پرورش درست اجتماعی بر انگیخته از جامعه کوچک خانواده است و در این خصوص ، نقش زن در احیاء ارزش ها از اهمیت ویژه ای برخوردار است . اما می یابد مبانی خانواده به نحو شایسته با ارزش های دینی و الهی ، همسانی و یکسویی داشته است . یکی از عوامل باز دارنده فرهنگ ایشارو شهادت ، در بین نسل نو خاسته انقلاب ، تعارض ارزش های حاکم در خانه با اجتماع است . کودک با آنچه را که در خانه رو به روی می شود . متباین همان چیز است که در مدرسه و جامعه بیرونی با آن سدر گیر است .

زاویه تشکیک و تشتت اذهان و افکار از درون خانه ایجاد می شود و همسو با رشد شناختی کودک ، گسترش می یابد ، تا جایی که در دوران نوجوانی این تعارض ، به شکل بیماری اجتماعی « از خود بیگانگی » و سر در گمی نقش و هویت می انجامد .

بی جهت نیست که در دستور کار تهاجم شیطان بزرگ و ایادی آن ، قلب خانه ، نشانه گرفته شده است . پدیده ارتباطات جهانی (اینترنت و ماهواره) همان قدر که در تنویر و روشنگری افکار نسل نو ، مؤثر است در اضمحلال اندیشه و تفکر نیز تأثیر گذار است .

عصر امروز ، عرصه دانش و پژوهش است و مرز نمی شناسد ، اما این ابزار در جهت نا
امیدی ، بی میلی و دوگانگی نسل نو به کار گرفته شده است . لذا توصیه می شود ،
تمام دستگاه های زیربط ، برای بازیابی خانواده و نجات ارزش ها در راه توسعه فرهنگ
ایثار همت گمارند .

۲-۸ سطح دوم (محیط جغرافیایی) : (۲-۱-۵)

آداب و سنن هر منطقه و قومی ، همراستای ارزش های سحاکم همان منطقه است .
شناسایی هنجارها و ریشه های فکری و رفتاری هر قوم ، برای تحکیم ارزش ها ضروری
است و لین مهم بر عهده متولیان فرهنگی است که با مطالعه و مذاقه ها و با توجه به
نیازهای اجتماعی و استعداد های موجود در نشر ارزش ها، ایفای نقش نمایند. شورا های
اسلامی شهر و روستا به عنوان ناظران این حرکت ارزشی، در توسعه فرهنگ ایثار،
جایگاه ویژه ای را دارند. هماهنگی و همکاری نزدیک شورا های شهر با متولیان فرهنگی
در هنجارسازی فرهنگ ایثار و شهادت غیر قابل انکار است. بنابراین، نقش شورا های
اسلامی شهر، با تأثیر پذیری از فرهنگ قومی و بومی در تأثیر گذاری بر ارزش های
جاری، اهمیت می یابد.

ساختار فیزیکی شهر و روستا با بهره گیری از از مطالعات و پژوهش های قوم شناسی، معماری دینی و ملی در تحکیم فرهنگ شهید و شهادت قابل تأمل است. امروزه، معماری یک شهر، فقط فضای سبز و خیابان بندی نیست که روح زیباشناختی و معنوی حاکم در یک شهر، جزء جدانشدنی شهرسازی محسوب می شود و سازه های شهر، معماری سنتی، با تلفیق مدرنیسم، در مبانی فکری و فرهنگی آن محیط نقش آفرین است.

نوع تبلیغات، طرح های دیواری، تصاویر به کار گرفته شده در مبادی ورودی و خروجی و میادین و معابر بزرگ شهر، همه و همه شاکله شهر را به رهگذر، مسافر و مخاطب خود معرفی می سازد و در این خصوص، سیاستگذاری شوراهای اسلامی شهر و روستا، هدایت گر این سیر خواهند بود.

از سویی دیگر، هماهنگی بین تمامی دستگاه های فرهنگی در کنار روزمرگی انسان ها و در هم تنیدگی این دو باهم، می تواند در ایجاد انگیزه شهروندان مؤثر باشد. بنابراین شوراهای شهر در انسجام فکری مردم و اقبال آنان به مراکز فرهنگی بسیاری قابل توجه است.

یادمان باشد که، اجتماع دارای یک نفس کلی اجزاء متناظر به یکدیگر است. برای سلامت این نفس، می باید همه اجزاء، متناسب با یکدیگر در جای خودشان به نحو شایسته وارد عمل می شوند.

به یقین انتظار یک شهروند از یک مرکز تفریحی یا یک کتابخانه و مسجد و حسینیه متفاوت است و بیان فرهنگ ایثار و شهادت، در هر کدام از این اماکن به نوبه خود مختلف است. پس رعایت نکات ذیل در نشر این مهم لازم می باشد.

۱- اعضای شورای شهر می باید معتقد به فرهنگ ایثار و شهادت باشند.

۲- اعضای شورای اسلامی شهر در طول دوران مسئولیت خود، عامل به فرهنگ ایثارگری باشند.

۳- از جناح بندی و تفکیک و تشتت بین نوجوانان و جوانان، جداً خودداری نمایند.

۴- مصوبات شورای اسلامی شهر، نمی باید متباین با اصول و مبانی فرهنگ ایثار و شهادت تدوین شود.

۵- در زیباسازی شهر، به نکات اعتقادی و دینی توجه ویژه ای مبذول گردد.

۶- در مبادی ورودی و خروجی، خیابانها و اماکن اصلی شهر، از مفاهیم و مصادیق ایثار و شهادت به نحو شایسته و هنرمندانه استفاده گردد.

۷- در ایام خاص (مذهبی - ملی) با ترغیب عمومی، شهروندان را با پیشینه تاریخ

حماسه‌های جاوید شهیدان و ایثارگران آشنا سازند.

۸- در حرکت های فرهنگ، هنری و ورزشی، جوانان را به احیاء ارزش های دینی فرا

خوانند.

۹- با مظاهر فساد اجتماعی، به طور جدی مبارزه نمایند.

با همه این اوصاف، سؤال این جاست، که آیا شوراهای اسلامی شهر، با عمر کوتاهشان

می توانند، مجریان و ناظران فعلی برای رویکرد ارزش های یک منطقه و جامعه باشند

در حایل که متولیان دیگری با قدمت عمر انقلاب در طوفان عظیم حوادث جاری،

مهجور واقع شده اند؟

البته برای بیان این منظور در حوزه سیاسی، درنگی خواهیم داشت.

شاید بتوان یکی از عوامل بازدارنده در نشر فرهنگ ایثار را عدم حضور پیش کسوتان

ایثارگر در همان مناطق دانست که می باید سرپرستان فرهنگ ایثار، آنان را به میدان

عمل و تصمیم گیری آورند.

۳-۸ سطح سوم (جامعه):

جامعه متشکل از همه عناصر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، با حاکمیت واحد است. وقتی سخن از ترویج فرهنگ ایثار در جامعه می شود، سیاست های حاکم بر نهادها، سازمان های دولتی و غیر دولتی به ذهن متبادر می شود.

به راستی ایثارگران در کجای جامعه قرار دارند؟ پایگاه و جایگاه آنان کجاست؟ با خاندان معزز آنها چگونه برخورد می شود؟ زندگی آنها در چه شرایطی است؟ حوزه های اجرایی، عملیاتی و خدماتی جامعه چه امکاناتی را برای آنها فراهم نموده است؟

امروزه شریف ترین نهادهای اجتماعی، در آرایه خدمات بدین قشر، به مثابه صدقات جاوید برخورد می کنند، که این خود، یکی از عوامل بازدارنده ترویج ایثار محسوب می شود.

در یک مقایسه شتابزده در جوامع صنعتی و توسعه یافته، به خوبی روشن است که آرایه خدمات اجتماعی و رفاهی به بازماندگان نیروهای ملی متمایز از دیگر اقشار و شهروندان است و این تفاوت به عنوان یک هنجار اجتماعی، برای تمامی مردم، شناخته شده است. اما در جامعه دینی و اسلامی ما متأسفانه این مهم با اهمال در برنامه ریزی ها و سیاستگذاریها به تعویق افتاده تا جایی که در منظور عامه این دسته به عنوان متعصبین، متعصبان، قاجاق بدستان، متخاصمین... شناسایی می شوند.

واکنش غیر منصفانه گروهی از ناآگاهان به سهمیه بندی ایثارگران و در مراکز فرهنگی و آموزشی از جمله این مقوله است. عدم پذیرش جایگاه ویژه این قشر، به علن عدم سیاستگذاران و برنامه ریزان اجتماعی در اعمال قوانین، آئین نامه های اجرایی است این معضل به همین جا بسنده نمی شود بلکه تا آنجا پیشرفته است که ایثارگر امروز در مرکز علم و دانش با همه توان و درخشش از بیان ایثارگری خود. (پدر و مادرش) شرم می کند. این پیشداوری و قضاوت اجتماعی محصول کدام سیاستگذاری است؟

لازم است که دستگاههای اجرایی حاکم. نهادها، سازمانه. در ارزش ها و آرایه خدمات به ایثارگران بنحو شایسته و گسترده وارد عمل شوند، تا بعنوان یک پاداش اجتماعی، احترام متقابل و تواضع عامه اجتماع را فراهم سازند و در این رهگذر راه را برای نسل نو در تأملی بدین الگوها بگشاید.^۱

۹- ترویج فرهنگ ایثار در حوزه فرهنگی: (۲-۵)

^۱ - شهود، فصلنامه فرهنگی پژوهشی بنیاد شهید انقلاب اسلامی شماره ۶ و ۷ بهار و تابستان ۱۳۸۰، ص ۱۱۱

رشد شناختی کودک و نوجوانان تحت تأثیر روش رویکردهایی است که از فرهنگ، جامعه و خانواده اش می پذیرد، فعالیت اجتماعی ساختاری است که کودک و نوجوان از آن رفتارها، باورها، معیارها. و ارزش هایش را کسب می کند.

هر فرد در جامعه ای بدنیا می آید که دارای ارزش ها و معیارهای مشخصی است و افراد در این معیارها را در همین جامعه فرا می گیرند. نباید تصور شود که قالب فرهنگ فقط بر ما محیط است بلکه واقعیت آن است که بخش عمده ای از آن تنها از طریق ما شکل می گیرد. بعنوان مثال، ارزشها، رمزها. و شکلهای گوناگون رفتار همگی بخشهایی از فرهنگ هستند که وجود آنها با گذشت نسلها و انتقال از نسلی به نسل دیگر ممکن نیست.

فرهنگ مبتنی بر تمامی استانداردهای پیشینیان و اندیشمندان گذشته است و به مثابه خون در شریان های جامعه است همانطور که خون آلوده به نظام اندامها آسیب می رساند، آلایندهای فکری و فرهنگی تمامی نظام اجتماع را تحت تأثیر قرار می دهد . تحول و فرهنگ یک شبه امکان پذیر نیست. نیاز به برنامه های مستمر و مداوم دارد لذا یکی از آسیب های جدی رد رشد فرهنگ ایشار به جهت تغییر آن به آن نظام

فرهنگی است. عدم ثبات فرهنگی، باعث می شود تا متولیان ثابتي نداشته باشند و به نوبه خود برنامه ثابت و مستحکمی نیز ارایه نگرند.

چگونه می توان در این سردرگمی فرهنگی به اشاعه ارزش ایثارگری پرداخت؟

کتابهای درسی و آموزشی در مقاطع ابتدایی تا متوسطه، مشمول همین جابجایی و تغییرات است و این مهم در سطوح دانشگاهی برجسته تر می شود.

اگر نهضت فکری - مذهبی - در انقلاب اسلامی را پیگیری کنیم می باید ریشه آنرا در بیداری ایرانیان جستجو کرد نه در یک مقطع و یک سطح و قشر خاص. آنچه امروز اتفاق افتاده است بیشتر به یک غفلت شبیه است تا یک باور ریشه دار.

نوجوانان امروز محصول یک غفلت فکری متولیان فرهنگی هستند. به یقین در صورت فراهم آمدن بستر امن فکری، دیگر موج ایثار، بر بلندای امواج دیگر سوار خواهد شد. مهم این است که آیا اندیشمندان امروز، آگاهانه بدین مهم دست آزرده اند؟ یا همچنان در تغییرات آموزشی و پرورشی و عالییه و به دنبال تحول می گردند؟ بنابراین یکی از عوامل گسترش مداوم در بقای تفکر ایثارگری، ثبات فرهنگی با بهره وری از دستاوردهای پیشینان و افتخارات دینی ملی کشوری لاسیت که تجلی آن نوع آموزش، پرورش و تحقیقات و فنآوری جلوه می کند. در این راستا عامل هنر نیز نقش ارزنده ای

را در توسعه فرهنگ ایثار ایفا می کند. ره توشه هنر به صرف بزرگ کردن فرهنگ نیست، بلکه آرایش فرهنگی یک جامعه با هنر درمی آمیزد تا در اندیشه افراد جامعه رخنه کند و رشد کند. از میان هنرهای موجود و ریشه دار تاریخی، در دنیای امروز بویژه در میان نسل نوحاسته ایران زمین پدیده سینمایی و موسیقی و از بین رسانه های گروهی تلویزیون از اقبال بیشتری برخوردار بوده است.

چگونه می شود که کارگرادانان فرهنگی این جامعه ناگهان در کوتاهترین زمان، این مرحله بزرگ را به نفع مردم اندیشه های ضدارزشی و علیه فرهنگ ایثار و شهادت ترک کنند و به ناگاه موج تغافل و تسامح تا آنجا بالا می رود که حتی باورهای دینی و اعتقادی به سخره رسانه های جمعی گرفته می شود.

البته نقد اقرار امر خطیری است اما خطر از آنجا شروع می شود که یک جامعه به قضاوت پرداخته شود. متولیان فرهنگی می توانند از ره آورد همین ابزارها برای دفاع از ارزشها و فرهنگ ایثار اقدام نمایند و در فضای تبادل اندیشه با قدرت و توان مضاعف به ترویج فرهنگ ایثار مبادرت ورزند.

بنابراین در میان رسانه های گروهی می باید ریزبینی و وسواس بیشتری را اعمال نمود و تا زمانی که مبانی فکری کودکان نوجوان را مستحکم نکرده ایم ارائه هرگونه

مطالب و بر نمایش گذاردن هرگونه تصاویر بدون ممیزی آسیب زاست. مانند کسی است که هنوز شناگری نمی داند و او را به دریا دراندازیم. دیر یا زود نتیجه کار مشخص است.

سیلی بزرگ در پیش است. هنوز هم دیر نشده است. تعلیم و تعلم سازه های ارزشهاست. نسل نوحاسته امروز را مجهز کنید در عرضه هنر و اندیشه می شود، سیمای ایثار را به باورهای دینی و ملی مبدل ساخت.^۱

۱۰- ترویج فرهنگ ایثار در حوزه سیاسی: (۳-۵)

مبانی سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی مبتنی بر ایثار و ایثارگری است. سیاست امروز ما از ایثارگران در همه عرصه های حق علیه باطل حمایت و دفاع می نماید. مرز ایثار و قلمرو اعتقادی دین مبین اسلام، همه کره خاکی است و استیلای مستضعفین بر گستره گیتی شعار قرآنی و نوید صبح آزادی است.

با تکیه بر چنین عقیده ای است که گفته می شود که می باید از سیاست زدگی و سیاست بازیهای آلاینده. اجتناب نمود و زمینه را برای رشد و آگاهی نسل نو فراهم ساخت. که سیاست ما عین دیانت ماست و دیانت ما عین سیاست ماست.

^۱ - شهود، فصلنامه فرهنگی پژوهشی بنیاد شهید انقلاب اسلامی شماره ۶ و ۷ بهار و تابستان ۱۳۸۰ ص ۱۱۵

شایسته است که دولتمردان ما نه فقط نسبت به سرنوشت ملت خود که آینده ملت اسلام و تمام محرومان جهان اندیشه و دغدغه داشته باشند...وقتی تفکر اندیشه مردم برای گسترش جهان و آینده های دور تقویت گردید و سرنوشت آنها بر سرنوشت دیگران گره خورده می شود انتظار داشت که مردم نه بر فراز افکار، مبادرت خواهند نمود و نه آب به آسیاب بیگانه دین و بشریت خواهند ریخت.

یکی از عواملی که نسل جدید را به تردید و دودلی نسبت به حال و آتیه خویش در انداخته است و راه گریز اندیشه ها را پیش گرفته اند، نبود فرهنگ ایثار در سیاست داخلی و خارجی کشور ماست. درخت هیچ انقلابی بدون ایثار به بار ننشسته است و بدون ایثار تناور و تکثیر نخواهد گردید. انقلاب اسلامی ما نیز با همه ویژگی هایش بدون شهادت بی معناست و بدون ایثار، تکاثر نمی یابد.

یکی از شیوه های احیاء اندیشه ایثارگری، ساده زیستی و بی تکلفی دولتمردان است هرچقدر مسئولین اجرایی جامعه از آحاد مردم فاصله می گیرند به همان مقدار مردم از فرهنگ ایثار و فداکاری دلزده می شوند لذا می باید در دستور کار هر سیاستمداری این مفهوم، نهادینه گردد که خدمت به جامعه توأم با از خودگذشتگی و کسب رضامندب حق و خلق است.

فاصله بین شعار و عمل خلایی را ایجاد می کند که جز اضطراب و نگرانی برای مردم چیز دیگری به ارمغان نمی آورد.

یکی دیگر از عوامل بازدارنده روحیه ایثارگری در نزد مردم وجود جناح بندیهای داخلی متخصمانه نسبت به یکدیگر است که در نهایت نوک پیکان این جبهه گیریها ارزش هالی معنوی و روحانی جامعه را نشانه می گیرد و حاصل چنین درگیریها، تضادورزیها، راکدگذاردن انرژیهای موجود در جهت سازندگی است و دلزدگی، بی رغبتی و بی تفاوتی مردم را در پی می آورد.

مردم به عنوان فرمانبرداران دستگاههای حاکم از خود می پرسند که کدامین جناح و دسته راه حقیقت را انتخاب کرده است. به یقین انتظار داریم که عامه مردم تحلیل گ و نظریه پرداز سیاسی باشند. نقد و بررسی سیاسی، فضای آرام و دور از تعصب اندیشمندان ای را می طلبد که حاصل چنان واریسی هایی، شناخت راه حل های مناسب را در پیش روی ملت قرار می دهد. اما آنچه در سیاست های جناحی امروز مشاهده می شود بهره گیری از احساسات مردم در جهت تقویت فرضیه های سیاسی است و این همان معنایی است که مبانی ایثار را در نزد آحاد مردم سست و متزلزل می سازد.^۱

^۱ -شهود، فصلنامه فرهنگی پژوهشی بنیاد شهید انقلاب اسلامی شماره ۶ و ۷ بهار و تابستان ۱۳۸۰، ص ۱۱۷

۱۱- حوزه ترویج فرهنگ ایثار در حوزه اقتصادی: (۴-۵)

ارزشهای حاکم در یک اقتصاد تنها پایاپایی آن در سود کالا نیست، که ابزاری است برای بقاء و ارتقای ارزشهای برتر و والاتر و صعود به مدارج عالی انسانی.

متأسفانه با گذشت دو دهه از انقلاب اسلامی، اقتصاددانان ما هنوز نتوانسته اند الگوی اقتصادی مناسبی را مبتنی بر شریعت و حاکمیت اسلام. طراحی و به اجرا گذارند.

در آئینی که «قوت حلال» ویژگی بنیادین کمال آدمی است و شرع مقدس، پیروان خود را بدین جهت تهییج می نماید و رهنمون می گرداند چگونه می توان بهره و سودهای بی رویه را در نظام مالی کشور انتظار داشت؟ وقت آن رسیده است که علمای دینی، ما بدون ملاحظات سیاسی، تکلیف را روشن سازند.

افراط و تفریط های اقتصادی از یک سو، و دلواپسی های مردم از آینده و تأمین نیازهای اولیه زندگی از سویی دیگر بستر ناایمنی را در جامعه ایجاد نموده است که آحاد مردم در جهت روزمرگی خویش. دل مشغول و درگیرند.

آیا می توان در چنین فضایی انتظار ایثارگری داشت؟

ایجاد فاصله طبقاتی، تبعیض و رابطه گرایی و پارتی بازیها، رانت خواری و آفازاده پروری، تشویق و ترغیب مردم به سلیقه سرمایه داری، کلاهبرداریها، اختلاس در

دستگاههای دولتی.... همه و همه نشانه های عدم الگوهای متناسب و مبتنی بر اقتصاد اسلامی است.

کتاب مبین، بارها، و بارها، در کنار جهاد به نفس، جهاد به اموال را توصیه می کند.

« لتبلون فی اموالکم و انفسکم و ... » (آل عمران / ۱۸۶)

بی تردید با اموال و جانتان آزمایش می شوید.

« الذین آمنوا و هاجروا فی سبیل الله با موالهم و انفسهم اعظم در جه عندالله و اولئک

هم الفائدون » (توبه / ۲۰)

آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا به مال و جانشان جهاد کردند آنها را نزد خدا مقام بلندی است و آنان بویژه رستگاران و سعادت‌مندان دو عالم هستند.

« لکن الرسول و الذین آمنوا معه جاهدو و باموالهم و انفسکم و اولئک لهم الخیرات و

اولئک هم المفلحون » (توبه / ۸۸)

آیا رسول و مؤمنان اصحابش که به مال و جانشان در راه رضای خدا جهاد کردند همه

خیرات و نیکویی ها مخصوص آنهاست و هم آنان سعادت‌مندان عالم هستند؟

این همه برای آن است که آنچه را که اندیشه جهادگران را بخاطر می افکند رفاه زدگی و مادیگرایی است. یکی از بلاهای بزرگی که به اندیشه ایثارگری هجوم آورد بازگشت برخی از رزمندگان از جبهه های نبرد در زمان آرامش بود، در حالیکه انتظار می رفت آنان بعنوان خون خواهان و وارثین شهدا، حرمت ایثارشان را پاس بدارند ناگهان بخود آمدند که در غفلت دنیازدگی مدرن ، سکوهای زیادی را به حریفان تازه به دوران رسیده سپرده اند و دیری نپائید که بی دغدغه به ارزشهای دیروز خود آنها هم وارد بازی ناخواسته ای شدند.

البته کار به همین جا پایان نگرفت، سرمایه اندوزیهای فرامرزی، هویت ملی و دینی آنها را نیز تا حد زیادی مورد تهدید قرار دارد. درواقع این سرمایه های عظیم و یادگارهای ایثار. جذب بازار و تجارب و اقتصاد و سیاست گردیدند و گذشته نه چندان دور خود را به فراموشی سپردند...

به همراه این حرکت نابخردانه و ناجوانمردانه، خیل وسیع رزم آوران و ایثارگران که بطور عمده از طبقات پائین اجتماعی بودند- به انزوا کشانده شدند و مورد بی مهری دستگاههای رفاهی و خدماتی دولتی قرار گرفتند و آرام آرام از صحنه اجتماع کنار گذارده شدند و میدان تاخت و تاز برای عوامل سودجو و سودخواه گشوده شد...

شایسته است که سیاستگذاران و برنامه‌های اقتصادی به سمت بی‌نیازی ایتارگران
میل و این نسل را در جهت تولید بی‌منت برای فردای بهتر و ایتار پرور آماده‌سازی
نمایند.

راه‌اندازی تعاونی‌های ایتارگران در بخش‌های عظیم اقتصادی می‌تواند در اشاعه
فرهنگ ایتار و شهادت‌مبانی فکری از خودگذشتگی را تحکیم بخشد.

اگر در برابر سرمایه‌های کلان و سودجویانه، رقیب ایتارگری ظهور کند، چه کسی بهره
مند می‌شود؟ در اولین قدم اقشار ضعیف و محروم وام‌دار ایتارگران می‌شوند و سپس
رقبای سینه‌چاک، بساط تعرض خود را برخواهند چید. این نوع سرمایه‌گذاران می‌تواند
در سطوح مختلف اقتصادی، برای رشد جایگاه ایتارگران در جامعه کاربری داشته
باشند.^۱

۱۲- جداول و نتایج

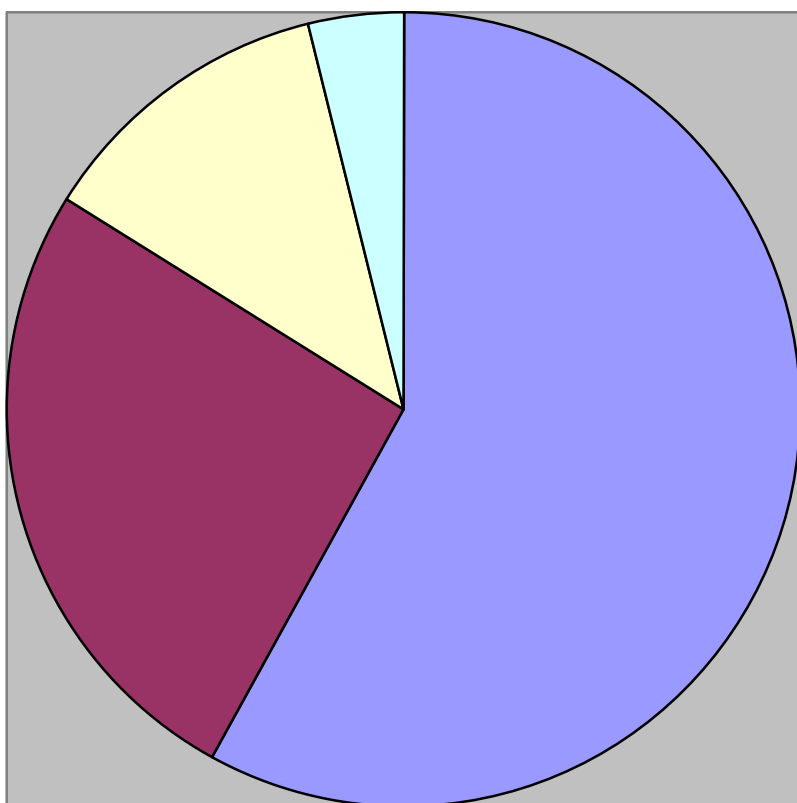
در این فصل نظرات دانش‌آموزان بر چگونگی درک دانش‌آموزان از مفهوم ایتار مورد
بررسی قرار می‌گیرد.

^۱ - شهود، فصلنامه فرهنگی پژوهشی بنیاد شهید انقلاب اسلامی شماره ۶ و ۷ بهار و تابستان ۱۳۸۰ ص ۱۱۹

۱- شما بیشتر از چه طریقی با ایثار و اثرات آن در اجتماع و افراد آشنا شده اید؟

میزان	درصد	فراوانی
خانواده و اعتقادات	٪۵۸	۲۹
رسانه و مطبوعات	٪۲۶	۱۳
مدرسه	٪۱۲	۶
تحقیق و پژوهش	٪۴	۲
جمع	٪۱۰۰	۵۰

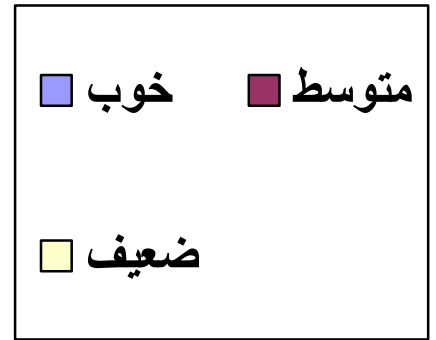
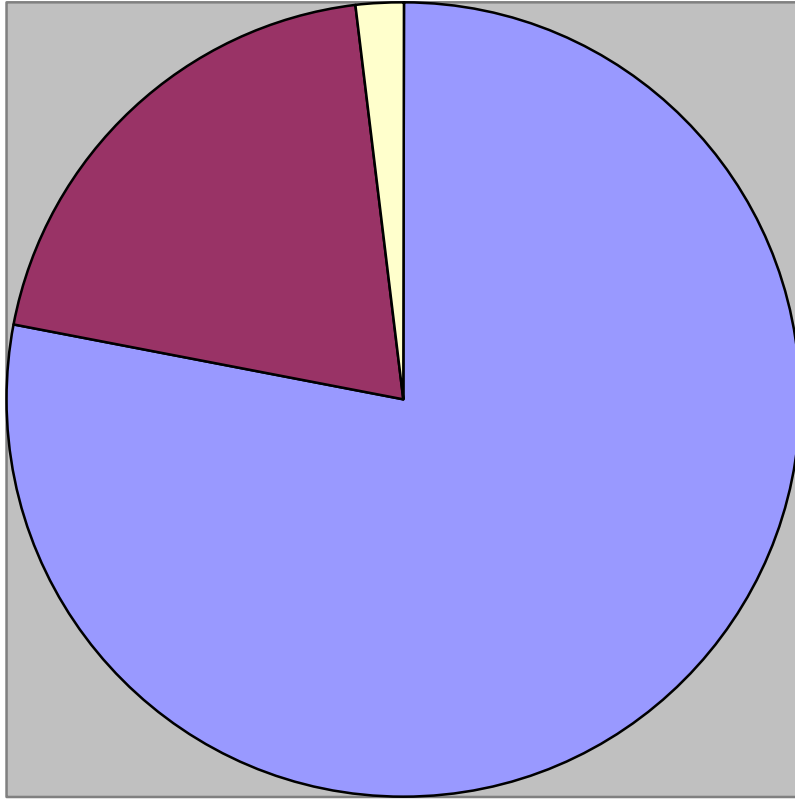
با توجه به جدول آماری فوق متوجه می شویم که ۵۸٪ از طریق خانواده و اعتقادات با ایثار و اثرات آن در اجتماع و فرد آشنا شده اند و ۲۶٪ از طریق رسانه و مطبوعات با این موضوع آشنا شده اند و هم چنین ۱۲٪ از طریق مدرسه و ۴٪ از طریق تحقیق و پژوهش با ایثار و اثرات آن در اجتماع فرد آشنا شده اند.



۲- تأثیر خانواده در آموزش و ترویج ایثار چگونه است؟

میزان	درصد	فراوانی
خوب	٪۷۸	۳۹
متوسط	٪۲۰	۱۰
ضعیف	٪۲	۱
جمع	٪۱۰۰	۵۰

با توجه به جدول آماری فوق می بینیم که ٪۷۸ تأثیر خانواده در آموزش و ترویج فرهنگ ایثار را بسیار پر رنگ اعلام کرده اند و ٪۲۰ نیز به طور متوسط این امر را مؤثر دانسته اند و ٪۲ نیز به ضعیف بودن این امر اشاره کرده اند.



۳- آیا ایثار افراد در یک خانواده باعث شادابی و آرامش روحی روانی افراد خانواده

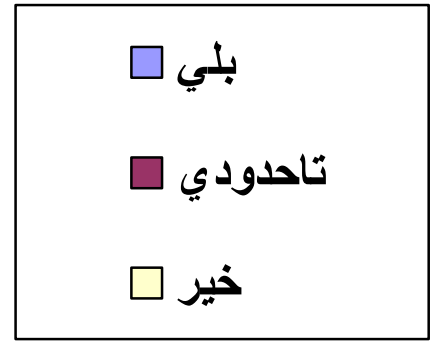
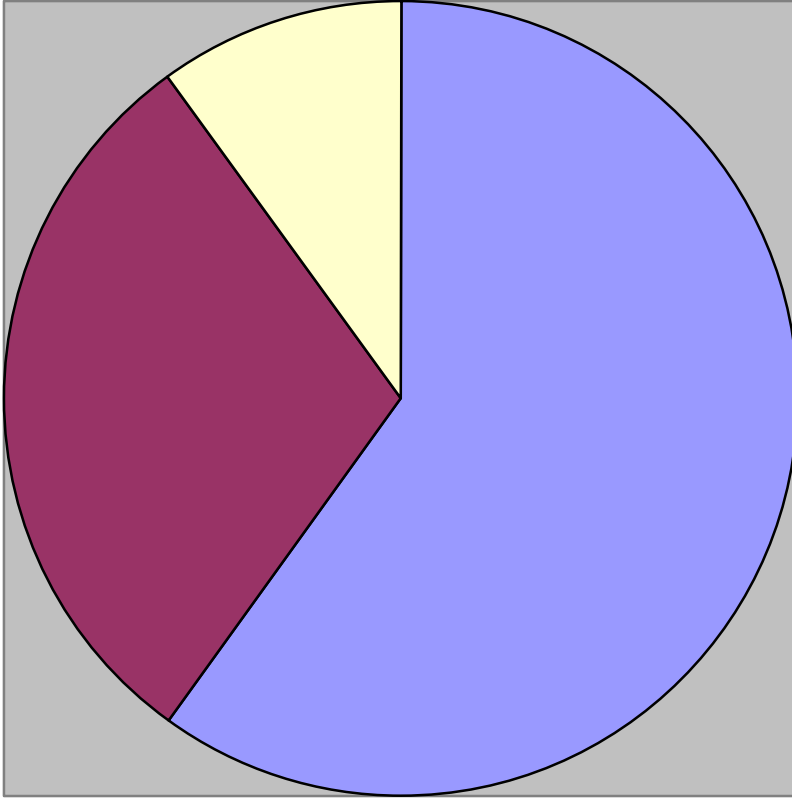
می‌شود؟

میزان	درصد	فراوانی
بلی	٪۶۰	۳۰
تا حدودی	٪۳۰	۱۵
خیر	٪۱۰	۵
جمع	٪۱۰۰	۵۰

با توجه به جدول آماری فوق ۶۰ درصد افراد ایثار را در خانواده موجب شادابی و آرامش

روحی و روانی می‌دانند و ۳۰ درصد افراد این اعتقاد را دارند که تا حدودی این تأثیر را

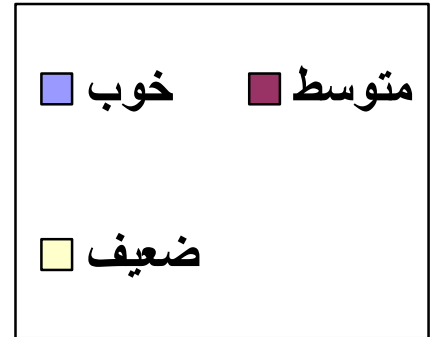
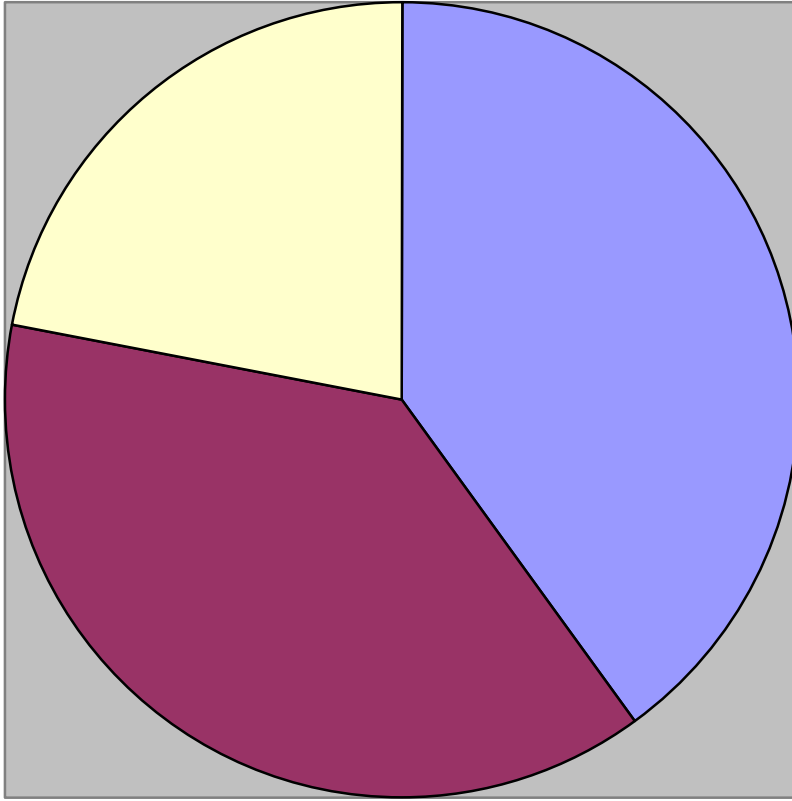
داراست ولی درصد آن را بدون تأثیر می‌دانند.



۴-تأثیر مدرسه در آموزش و ترویج ایثار چگونه است؟

میزان	درصد	فراوانی
خوب	٪۴۰	۲۰
متوسط	٪۳۸	۱۹
ضعیف	٪۲۲	۱۱
جمع	٪۱۰۰	۵۰

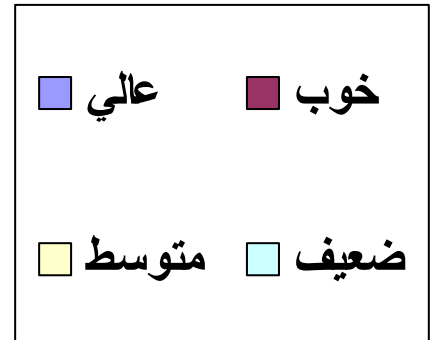
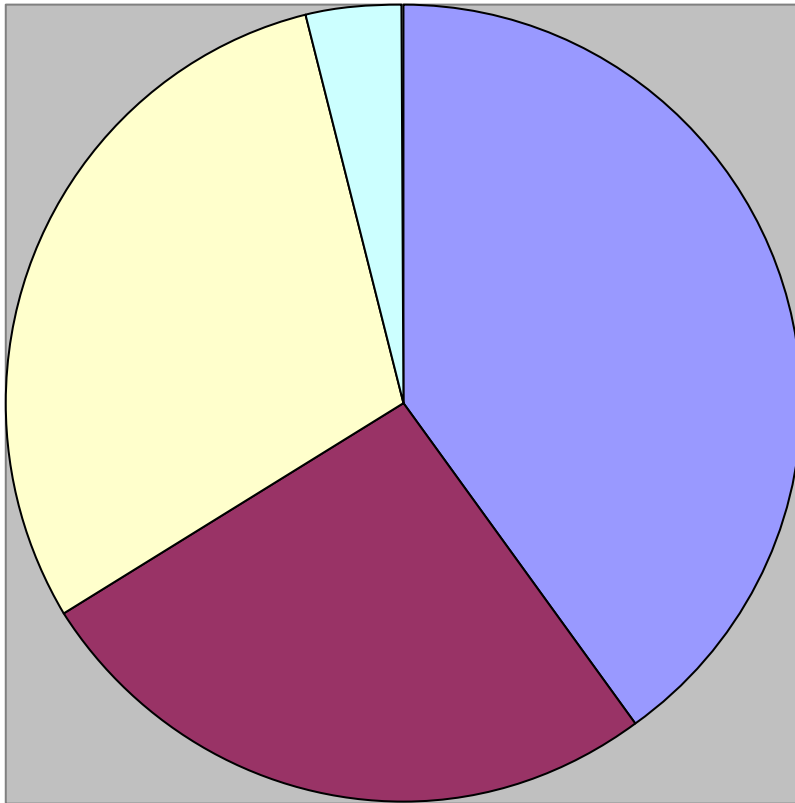
با توجه به جدول آماری فوق می بینیم که ٪۴۰ افراد تأثیر مدرسه در آموزش و پرورش بر ترویج ایثار را مؤثر دانسته اند و ٪۳۸ این امر را متوسط تلقی کرده اند و ٪۲۲ تأثیر مدرسه اضعیف بر شمرده اند.



۵- تأثیر ایثار در رابطه دوستی و هم دردی دانش آموزان چگونه است؟

میزان	درصد	فراوانی
عالی	٪۴۰	۲۰
خوب	٪۲۶	۱۳
متوسط	٪۳۰	۱۵
ضعیف	٪۴	۲
جمع	٪۱۰۰	۵۰

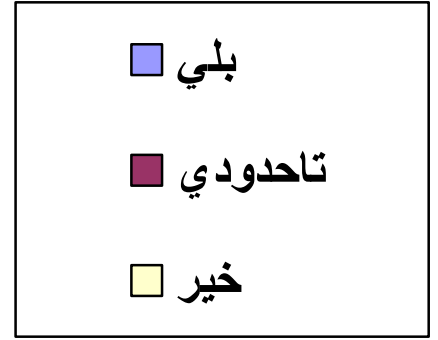
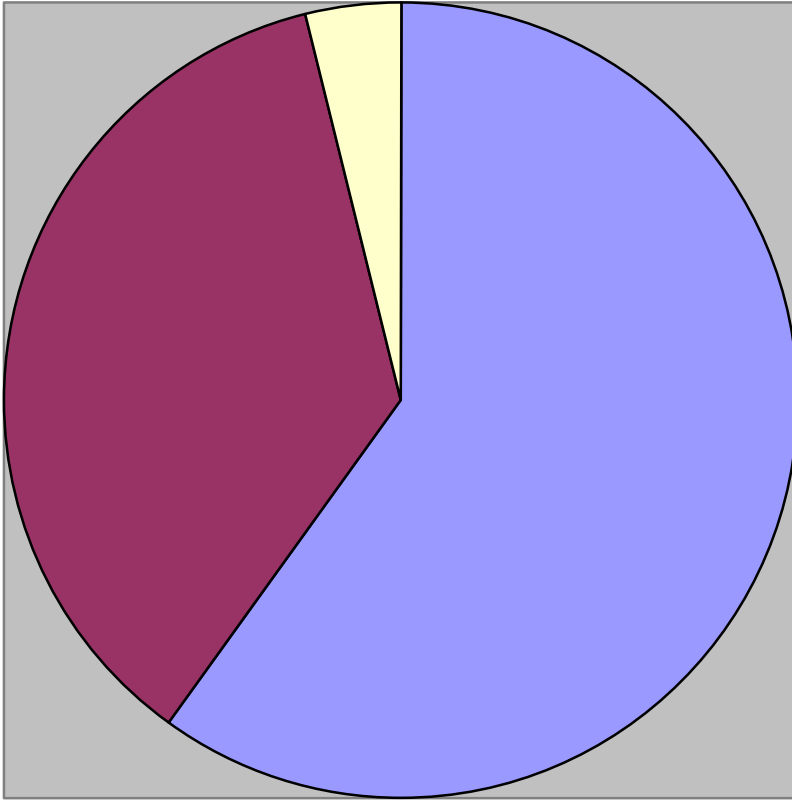
با توجه به جدول آماری فوق ۴۰ درصد افراد تأثیر ایثار را در رابطه دوستی و هم دردی به طور عالی مؤثر دانسته اند و ۲۶٪ آن را به طور خوب دانسته اند و ۳۰ درصد ایثار را به طور متوسط تأثیرگذار دانسته اند و ۴ درصد آن را ضعیف دانسته اند.



۶- ایشار یک معلم در تدریس و عملکرد او چقدر مؤثر است؟

میزان	درصد	فراوانی
بلی	٪۶۰	۳۰
تا حدودی	٪۳۶	۱۸
خیر	٪۴	۲
جمع	٪۱۰۰	۵۰

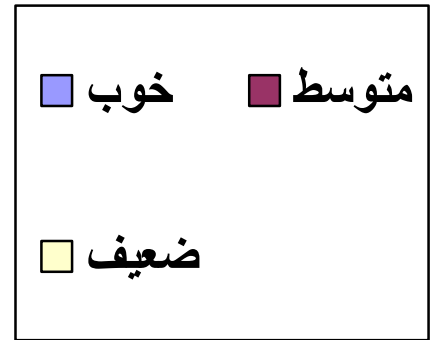
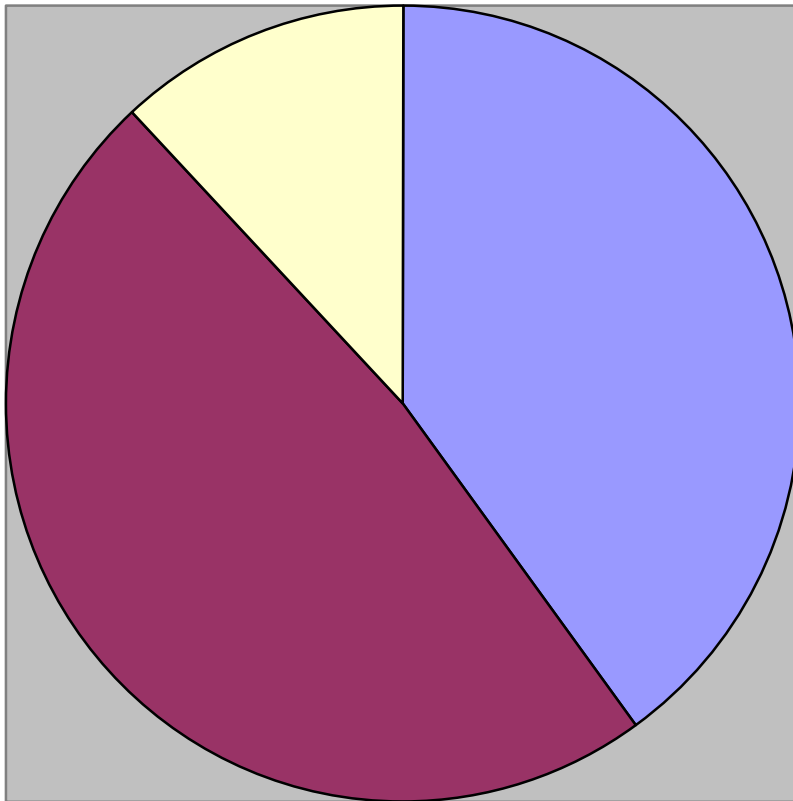
با توجه به جدول آماری ۶۰ درصد تأثیر ایشار را در عملکرد او مؤثر دانسته اند و ۳۶ درصد تا حدودی به این مطلب اعتقاد داشتند و ۴ درصد معتقدند که هیچ تأثیری نداشته است.



۷- تأثیر رسانه و مطبوعات در آموزش و ترویج ایثار چگونه است؟

میزان	درصد	فراوانی
خوب	٪۴۰	۲۰
متوسط	٪۴۸	۲۴
ضعیف	۱۲	۶
جمع	٪۱۰۰	۵۰

با توجه به جدول آماری فوق ٪۴۰ از افراد به تأثیر خوب رسانه ها و مطبوعات در آموزش و ترویج ایثار اشاره کرده اند و ٪۴۸ آن به طور متوسط این امر را بررسی کرده اند و ٪۱۲ این امر را ضعیف تلقی کرده اند.

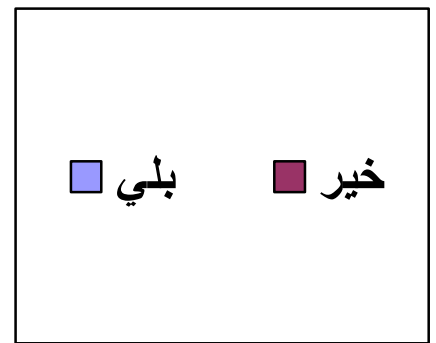
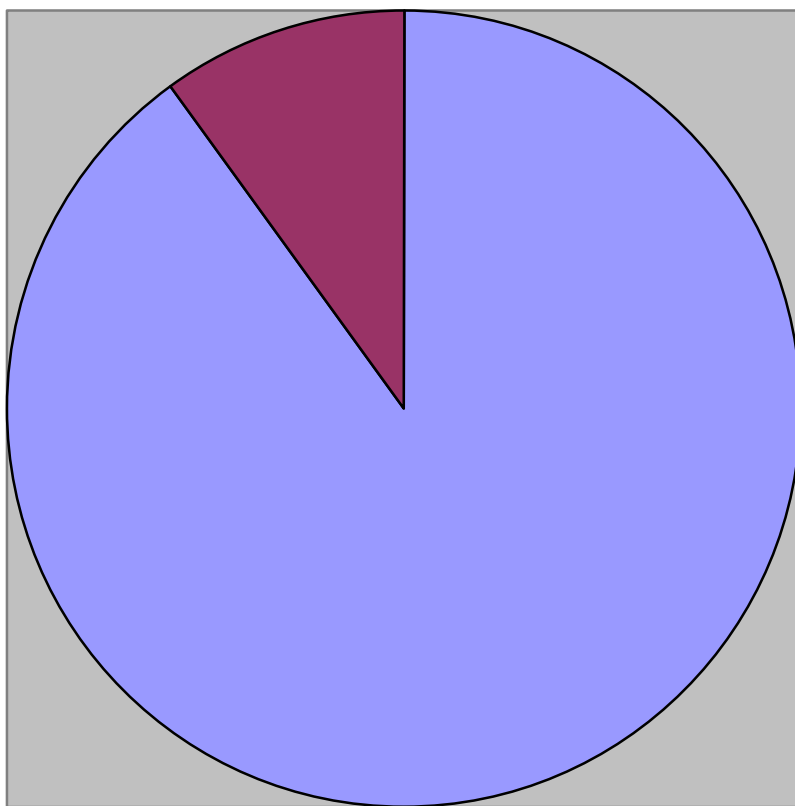


۸- به نظر شما آیا بین اعتقادات مذهبی و ایثار رابطه‌ی وجود دارد؟

میزان	درصد	فراوانی
بلی	٪۹۰	۴۵
خیر	٪۱۰	۵
جمع	٪۱۰۰	۵

با توجه به جدول آماری فوق ۹۰ درصد افراد معتقدند که بین اعتقادات مذهبی و ایثار

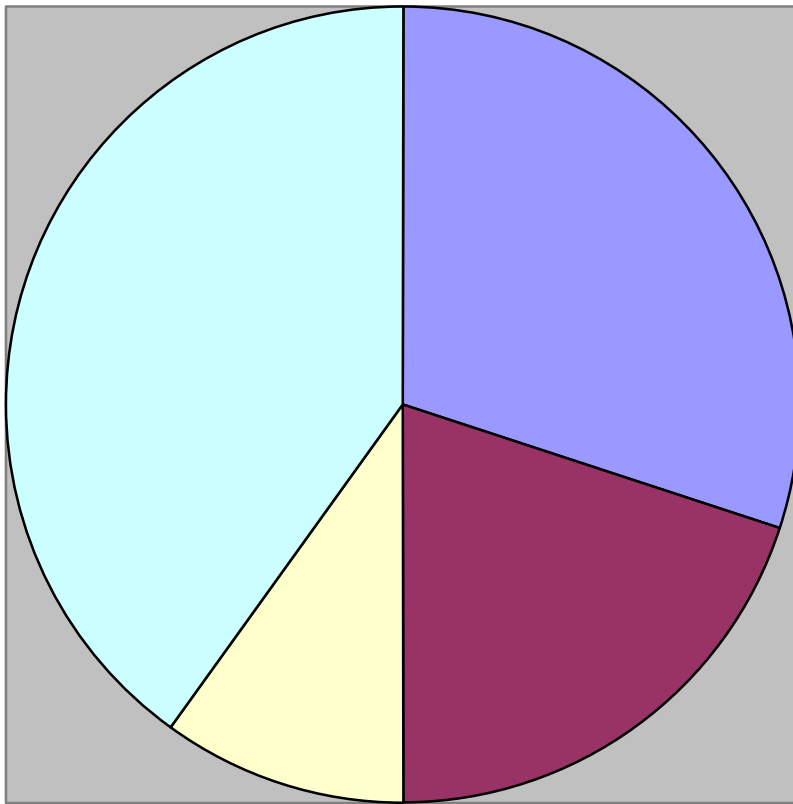
رابطه وجود دارد و ۱۰ درصد آن را بدون رابطه دانسته اند.



۹- کاربرد ایثار در جامعه در چه زمینه هایی می باشد؟

میزان	درصد	فراوانی
مذهبی	٪۳۰	۱۵
فرهنگی	٪۲۰	۱۰
اقتصادی	٪۱۰	۵
مدرسه	٪۴۰	۲۰
جمع	٪۱۰۰	۵۰

با توجه به جدول آماری فوق ۳۰ درصد افراد معتقدند که ایثار در زمینه مذهبی کاربرد بیشتری دارد و ۲۰ درصد نیز این نظر را دارا هستند که ایثار در زمینه فرهنگی کاربرد دارد و ۱۰ درصد نیز معتقدند که ایثار در زمینه اقتصادی کاربرد دارد و ۴۰ درصد کاربرد ایثار را در هر سه زمینه مؤثر دانسته اند.

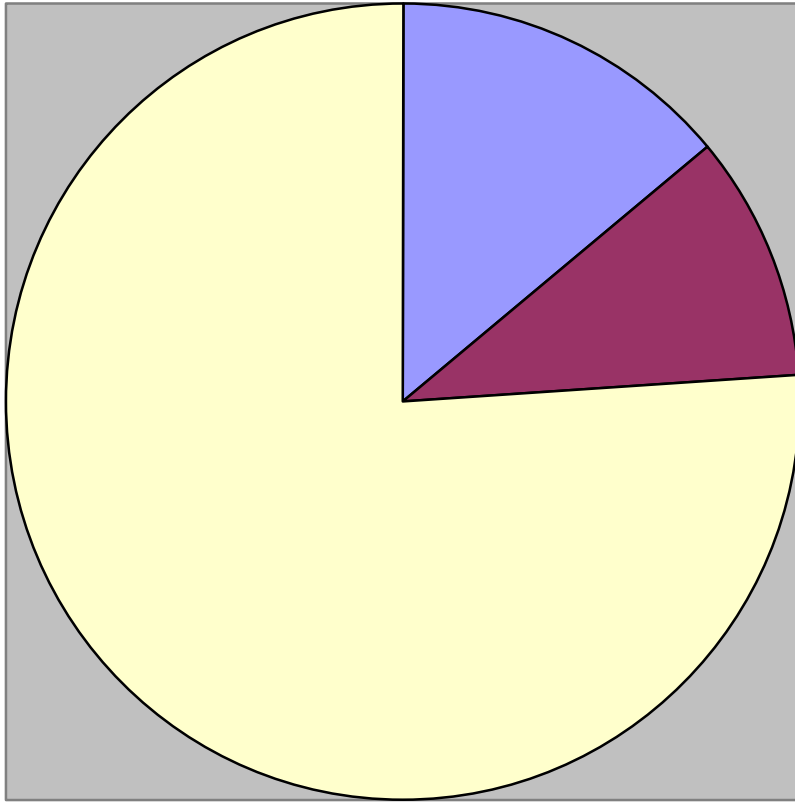


۱۰- آیا ایثار یک الگوی فردی است یا اجتماعی؟

میزان	درصد	فراوانی
فردی	٪۱۴	۷
اجتماعی	٪۱۰	۵
هر دو	٪۷۶	۳۸
جمع	٪۱۰۰	۵۰

با توجه به جدول آماری فوق ۱۴ درصد ایثار را یک الگوی فردی و ۱۰ درصد یک

الگوی اجتماعی و ۷۶ درصد آن را هم الگوی فردی و هم الگوی اجتماعی می دانند.



۱۳- نتیجه گیری:

همانطوری که بیان گردید ایثار در تقدیم داشتن و ارجحیت دیگران بر خویش و درنج افکندن خویش برای آسایش دیگران است. بدین جهت به اختصار نتایج این پژوهش با تأکید به رهیافتهای بررسی شده می آید:

(۱) ایثار، گذشت، شهادت طلبی جزء لاینفک حیات بشری، به ویژه ادیان توحیدی و آسمانی بوده و امر دین و دین ورزی با این عمل عجین شده است. در دین های یهود و مسیح نیز با همان معانی و کاربردهای دینی یا به اعتباری به عنوان امری مقدس و دینی بدان پرداخته شده است.

(۲) درست است که اوج و عمق ایثار همان شهادت طلبی می باشد که جایگاه وسیعی در فرهنگ و معارف اسلامی باز کرده و در کتب فقهی، حدیثی و تاریخی به کرات این واژه به کار رفته است، با این حال بخشش اموال در راه خدا، انفاق، جز اینها در این مقوله قابل قبول است.

(۳) ایثار انبیاء(ع) در راه اعتلای کلمه توحید و پیامبر (ص) در تبلیغ دین مبین اسلام و یاران صحابه (به ویژه انصار و مهاجران) ایشان مثال زدنی است اما با این حال مذهب تشیع با ایثار و شهادت طلبی به هم پیوسته است. شیعیان این فرهنگ والا و ارجمند را

از امامان عظیم الشان خویش قرار گرفته اند. حادثه جانگداز کربلا و عاشورای حسینی که منجر به شهادت آن بزرگوار و خاندان و یارانش و اسارت دیگر بازماندگان وی گردید، مثل اعلا و منحصر به فرد ایثار و از جان گذشتگی است که در همارة تاریخ سرمشقی برای نقصها و قیامهای شیعیان بر ضد حکام جور بوده است و از نمونه های بارزش، یکی نهضت مشروطیت ایران و دیگری انقلاب مردم ایران و پیروزی ایشان علیه حکومت شاهنشاهی وابسته به استعمار در بهمن ماه ۱۳۵۷ می باشد.

(۴) پس از پیروزی ملت شریف ایران و سرنگونی حکومت طاغوت، استعمارگران که از استقلال و آزادی مردم به رهبری حضرت اما (ره) به هراس افتاده بودند و از صدور انقلاب به مستضعفان جهان و کشورهای تحت سلطه آنان نگران بودند، انواع کارشکنی ها را برای شکست این انقلاب به کار بستند و از جمله تحریک رژیم بعث عراق برای تجاوز به خاک ایران و جنگ هشت ساله تحمیلی بود. در واقع یکبار دیگر فرهنگ ایثار و شهادت به صورت بسیار بارزتری در ملت ایران نمایان شد و رزمندگان (ارتش، سپاه) جان بر کف و شجاع در این راه از تمام امکانات خویش استفاده کرده و با دادن جان خویش نه تنها انقلاب اسلامی را، بل اسلام را برای قرن بیستم یکبار دیگر

ترجمه و تفسیر و زنده کرده اند. نهایت اینکه هزارات شهید، جانباز، آزاده همراه با پیروزی بدست آمده، نتایج پر بار آن می باشد.

۵) انقلاب اسلامی ایران الهامبخش روحیه و فرهنگ ایثار طلبی ملت ستمدیده فلسطین این بوده و انتفاضه تحت تأثیر این آموزه ها، مبارزه جدی تری را علیه صهیونیسم برای آزادسازی قدس آغاز کرد.

۶) برغم همه این موارد موضوعی که جای پژوهش گسترده ای را می طلبد و صاحب نظران و اندیشمندان باید درباره اش قلم فرسایی و تلاش ویژه ای را ارائه نمایند، این است که پس از اتمام هشت سال جنگ تحمیلی روحیه ایثار، شهادت و از خود گذشتگی، و نیز کسانی که پرچمدار این عرصه بوده اند نظیر شهداء، جانبازان و آزادگان، رنگ باخته و به سردی گراییده است. علت این امر از سویی تبلیغات دشمنان داخلی و خارجی بوده که برای ریشه کن کردن ارزشها، باورها و اعتقادات ملت مسلمان از هیچ کوششی فروگذار نکرده اند از جمله در دسترس قرار دادن برنامه مبتذل ویدئویی، ماهواره ای و اینترنتی و نیز استفاده از شعارهای عوام فریب و کم ارزش و بی ارزش در مقابل شعارهای اسلامی و ملی مردم و از سویی نبودن یک برنامه جامع،

اصولی، و منسجم از سوی دولتمردان و نهادهای آموزشی و تربیتی و نیز نهادینه نشدن

این ارزشها از دوران کودکی و نوجوانی در بسیاری از خانواده می باشد.

۷) ایثار باید ابتدا در تک تک افراد خانواده به یک اندازه پایه گذاری شود تا در تمام

جامعه نهادی شود یعنی اگر فقط بعضی از افراد به ایثار و ایثارگری ایمان قلبی بیاورند

ولی افراد دیگر حتی از آن آگاهی نداشته باشند هیچ وقت به یک جامعه یک دست و

همه‌هنگ نمی رسیم در این صورت اگر ایثار در جامعه اصلاً مطرح نشود وضع نا به

سامان جامعه است. پس ایثار را باید مانند بارانی بیبارد در همه جا به یک اندازه می بارد

و همه قسمت ها به یک اندازه سود می برند و تأثیر می گیرند، به یک اندازه در تمام

جامعه نهادی گردد.

۱۴- منابع و مأخذ:

- ۱- بابازاده، علی اکبر، سیمای حکومتی امام علی (ع). قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۸
- ۲- انصاریان، حسین، دیار عاشقان، جلد هفتم، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی،
۱۳۷۳
- ۳- عمید زنجانی، عباسعلی، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، فرهنگ ارشاد اسلامی،
۱۳۷۵
- ۴- دکتر علی شریعتی، هبوط در کویر، چاپ هفتم، انتشارات سبز، ۱۳۶۹
- ۵- استاد شهید مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، چاپ دوم، ۱۳۵۴
- ۶- عاملی، جواد، حماسه و عرفان، مرکز نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۷۷
- ۷- منصوری لاریجانی، اسماعیل، زمزم عشق، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی آیه، چاپ دوم،
۱۳۸۱
- ۸- علیخانی، علی اکبر، بحرانی مرتضی، شهید و شهادت در ادعیه و زیارت، نشر شاهد،
چاپ اول، ۱۳۸۰
- ۹- عباسعلی عمید زنجانی، جهاد از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه، انتشارات
سهامی چاپخانه ای وزارت ارشاد اسلامی، بهار ۱۳۶۵

۱۰- جبران خلیل جبران، پیامبر، ترجمه دکتر الهی قمشه ای، انتشارات روزنه، پاییز

۱۳۷۸

۱۱- الاصفهانی الراغب، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴

۱۲- جمال الدین الافریقی المصدری، ابولفضل، لسان العرب (بیروت: دارالصادر) ج ۳

۱۳- دبیرخانه شورای هماهنگی و نظارت بر امر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت هم

اندیشی فرهنگ ایثار و شهادت چاپ اول، تابستان ۱۳۸۳

منصوری لاریجانی، اسماعیل - عاشقان بی ادعا - انتشارات خادم الرضا (ع) - چاپ اول،

تابستان ۸۲

۱۴- شهود، فصل نامه فرهنگی پژوهشی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، شماره ۳، تابستان

۱۳۷۹

۱۵- شهود، فصل نامه فرهنگی پژوهشی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، شماره ۶ و ۷، بهار

و تابستان ۱۳۷۹

۱۶- شهود، فصل نامه فرهنگی پژوهشی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، شماره ۴، پاییز

۱۳۷۹

۱۷- پیشگامان، ماهنامه فرهنگی - آموزشی سازمان بسیج دانش آموزی، بهمن ماه ۱۳۸۳

چشمه سهرابی، مظفر، زیر نظر علی شکویی، تهران نشر شاهد، ۱۳۷۸

۱۸- لغت نامه خدا

۱۹- صحیفه نور، ج ۲۰

۲۰- صحیفه نور، ج ۱۸

۲۱- جلوه های حکمت، واژه صبر

۲۲- صافی

۲۳- سایت های اینترنتی:

www.isar.com

www.AmrKhaled.Com

www.google.com

www.Andishe.com

۲-۱۵ نمونه مصاحبه:

گفتگو با آقای سعید براتی از جانبازان جنگ تحلیلی کارمند بنیاد شهید انقلاب اسلامی

۱- تعریفی از ایثار داشته باشید؟

به نظر من ایثار یعنی ترجیح دادن دیگران بر خود، مقدم داشتن دیگران بر خود در

زمانی که امکان مقدم بودن را داشته باشیم و بنا به حدیثی از خانم فاطمه زهرا (س)

«اول جارثم ها دار»

۲- تأثیر ایثار بر تکامل شخصیت انسانی را چگونه می دانید؟

اولاً انسان تا به تکامل نسبی نرسیده باشد نمی تواند ایثار کند پس باید گفت تأثیر در

رسیدن انسان به تکامل واقعی عینیت پیدا می کند و سبب رشد و تعالی شخصیت

حقیقی انسان می گردد.

۳- تأثیر ایثار را بیشتر در تکامل فردی می دانید یا اجتماع؟

جامعه متشکل از افرادی می باشد، هرگاه فردی به تکامل برسد اثر آن را می توان به

خوبی در جامعه حس کرد (تأثیر رفتار تکامل یافته یک فرد بر خانواده و محیط کار

و ...) پس می توان تأثیر ایثار را هم بر فرد دانست هم بر اجتماع.

۴- به نظر شما ایثار بیشتر در کدام یک از حوزه های جامعه مفید می باشد؟

ایثار مقوله ای است که شاید بتوان آن را به باران تشبیه کرد که وقتی می بارد تأثیر خود را بر همه سطوح و به صورت یکسان می گذارد. ایثار یک عمل فطرت پسند است و همه انسانها همانگونه که از همه اعمال خوب خوششان می آید و آن عمل را دوست دارند، ایثار را می پسندند و به آن و عامل آن یعنی ایثارگر احترام می گذارند و مانند همه اعمال نیک در همه جا و برای هر کس در هر زمان مفید است.

۵- در آخر کمی راجع به تأثیر ایثار در جمع خانوادگی صحبت کنید.

اصولاً خانواده اولین و کوچکترین جامعه ای است که کودکان و نوجوانان آموزش رفتار و اعمال خود را از آن شروع می کند. بی شک یادگیری همراه با آگاهی می تواند از یک فرد ایثارگر یک خانواده ایثارگر بسازد و همین حرکت تا ساخت یک جامعه ایثارگر می تواند ادامه داشته باشد.

البته همانطور که گفتیم این آموزش باید همراه با آگاهی و به درستی صورت پذیرد و سازوکارهای لازم جهت گسترش فرهنگ ایثار در جامعه فراهم آید.

زیبایی های ایثار آنقدر روح نواز و دل انگیز است که همه را تحت تأثیر قرار می دهد و دوست و دشمن را وادار به احترام می کند و سبب به وجود آمدن شرم و حیا می گردد.

ضمانہ

یا لطیف

جامعه ما، جامعه ای است مبتنی بر ارزش ها، باورها و اعتقادات افراد آن که بخش اعظمی از این باورها، ریشه در عقاید دینی و مذهبی افراد دارد. در جامعه کنونی ما، سعی بر این است که از مبانی و اعتقادات مذهبی در راه اعتلا و پیشرفت کشور بهره گرفته شود. یکی از این اعتقادات ایثار است که می توان آن را یکی از ناب ترین و زیباترین آموزه های اسلامی دانست. پرسش نامه ای که پیش رو دارید، به منظور بررسی همه جانبه ی ایثار و ترویج آن به عنوان یک فرهنگ و تأثیرش بر فرد و اجتماع و بخش های گوناگون آن تهیه و تنظیم شده است که سعی شده علاوه بر جنبه مذهبی به سایر جنبه های آن نیز توجه گردد.

بنابراین خواهشمندیم با دقت هر چه بیشتر به سؤالات پاسخ دهید تا نتایج بدست آمده، دقیق تر باشد پیشاپیش از همکاری شما سپاسگذاریم.

۱- شما بیشتر از چه طریقی با ایثار و اثرات آن در اجتماع و افراد آشنا شده اید؟

۱) خانواده و اعتقادات ۲) رسانه و مطبوعات ۳) مدرسه ۴) تحقیق و پژوهش

۲- تأثیر خانواده در آموزش و ترویج ایثار چگونه است؟

(۱) خوب (۲) متوسط (۳) ضعیف

۳- آیا ایثار افراد در یک خانواده باعث شادابی و آرامش روحی روانی خانواد می شود؟

(۱) بلی (۲) تا حدودی (۳) خیر

۴- تأثیر مدرسه در آموزش و ترویج ایثار چگونه است؟

(۱) خوب (۲) متوسط (۳) ضعیف

۵- تأثیر ایثار در رابطه دوستی و همدردی دانش آموزان چگونه است؟

(۱) عالی (۲) خوب (۳) متوسط (۴) ضعیف

۶- ایثار یک معلم در تدریس و عملکرد او مؤثر است؟

(۱) بلی (۲) تا حدودی (۳) خیر

۷- تأثیر رسانه و مطبوعات در آموزش و ترویج ایثار چگونه است؟

(۱) خوب (۲) متوسط (۳) ضعیف

۸- به نظر شما آیا بین اعتقادات مذهبی و ایثار رابطه ای وجود دارد؟

(۱) بلی (۲) خیر

۹- کاربرد ایثار در جامعه در چه زمینه هایی می باشد؟

(۱) مذهبی (۲) فرهنگی (۳) اقتصادی (۴) هر سه

۱۰- آیا ایثار یک الگوی فردی است یا اجتماعی؟

(۱) فردی (۲) اجتماعی (۳) هر دو